



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۳۹
یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۲ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - به: ۱۵ ریال

انقلاب بزرگ و شکوهمند ایران، طی نزدیک به دو سالی که از پیروزی درخشان آن میگذرد، دشواریهای بزرگی را از پیش پای خود برداشته، ولی هنوز با مشکلات زیادی در تمام زمینهها روبروست. این مشکلات را میتوان به پنج دسته تقسیم کرد:

اول مشکلاتی که از رژیم دستنشانده ضد خلقی گذشته، به میراث ماندهاند. در واقع در هیچیک از عرصههای زندگی نیست که انقلاب و ارت بر خرابهزاری نباشد. از کمبود راههای روستایی گرفته تا کتابهای درسی با مناسبت سر تا پای غلط؛ از صنایع علیل موتاز گرفته، تا ترافیک سنگین و لخت تهران و دیگر

کلید حل مشکلات تعمیق انقلاب است

شهرهای بزرگ؛ از یک کشاورزی مخروبه گرفته تا کمبود فوقالعاده خدمات پزشکی و بهداشتی و بهداشت... ما، بگفته امام خمینی و ارت یک کشور «زلزله زده» هستیم و برآستی رژیم ملعون و ستمگر و استعمارپذیر پهلوی، ایرانی ویران برای ما برجای گذاشته است. دوم مشکلاتی که در دوران بعد از پیروزی انقلاب، در نتیجه خرابکاریهای عمدی ضدانقلاب (خارجی و داخلی) و نیز مشکلاتی

لیبرالها برخورد میکنند. سوم مشکلات دوران گذار، که هر انقلابی یا آنها مواجه میشود. انقلاب باید کشور را در تمام زمینهها و عرصهها فوسازی کند. این کار عظیم بسیار دشواری است. تجدید ساختمان مثلا یک سیستم آموزشی، که برای خدمت به امپریالیسم و به طاغوتیان بنا شده بود، به یک سیستم آموزشی که میبایستی در خدمت استقلال و در خدمت رشد کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان عمل کند، کار سادهای نیست. و یا مثلا تجدید ساختمان یک دستگاه ورم کرده دولتی، که کارش تحمیل اراده زالوهای اجتماعی خارجی و داخلی بر تودههای میلیونی خلق بوده، بیک دستگاه دولتی فشرده و متحرک و رها از بقیه در صفحه ۴

در صفحات بعد

رفیق نورالدین کیانوری:

لیبرالها و مالوئیستها، علیرغم شیوههای مختلف و وظایف خاص خود، در خدمت ارتش ضدانقلاب جهانی هستند

صفحه ۶

عملیات جنگی علیه تجاوزگران صدامی ادامه دارد!

صفحه ۴

بررسی «بخشنامه بودجه سال ۱۳۶۰ کل کشور»

صفحه ۲

صفحه دهقانی - ویژه هیئت های هفت نفری

صفحه ۵

لیبرالها «آتش پهلویی» گشوده اند

برگرفته شود.

بزرگترین دستاورد تسخیر جاسوسخانه آمریکا و «گروگان گیری» این بود و این هست که مردم در سطح کشور، توده های میلیونی مردم شهر و روستا، دشمن اصلی و همیشگی کشور خود را، انقلاب خود را، استقلال خود را، آزادی خود را، هستی و شرف و حیثیت خود را در وجود آمریکا چنانیکار و غارتگر، در وجود امپریالیسم، بسر کردگی آمریکا، شناختند؛ نیروی عظیم انقلابی خلق قهرمان و ایثارگرما علیه این دشمن خلق ما و همه خلقهای جهان بسیج شد؛ انقلاب ایران متوجه این دشمن اصلی و همه متحدان خارجی و داخلی آن گردید؛ انقلاب به مرحله عالی تر، مرحله حفظ و تثبیت و تحکیم استقلال، مرحله «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» چپش کرد. این دستاورد عظیم را هرگز نباید از دست داد، آنرا باید همچون مردمک دیده حفظ کرد، شعار بقیه در صفحه ۴

منصرف نمود، مراد لیبرالها و نیز آمریکا و ضدانقلاب حاصل است. این همان «آتش پهلویی» است که دشمن در جنگ بکار میبرد. در جنگ دشمن از پهلوی بروی نیروی رزمندهای که بسوی هدف پیشروی میکند، آتش میکشاید، تا آن نیرو جلب این آتش شود و از حرکت بسوی هدف منحرف شود. نباید بداند این تاکتیک لیبرالها افتاد، نباید جلب این «آتش پهلویی» شد و از سمت حرکت اصلی منحرف گردید. برای دفع این «آتش پهلویی»، باید آتشی از پهلوی کشود و عمده قوا را همچنان بسوی هدف اصلی به پیش برد.

لیبرالها سعی وافر دارند که موضوع چگونگی حل مسئله «گروگانها» را به موضوع قبل بحث کننداری بدل کنند. در یکی از روزنامه های خود ستونی باز میکنند و از مردم دعوت می کنند که «نظرات انتقادی» خود را در این ستون مطرح سازند. در روزنامه دیگری خوانندگان را به «بحث آزاد» درباره مسئله «گروگانها» فرا میخوانند و برای این بحث آزاد، برنامه ارائه میدهند. یکی شماره تلفن میدهد، تا بدین وسیله مردم اظهار نظر کنند. دیگری به نگارش سلسله مقالات می پردازد و الی آخر. این تاکتیک تازه ای نیست و «جاده صاف کن های» آمریکا و ضدانقلاب آنرا اختراع کرده اند، بلکه آنرا از «استاد» بعاریت گرفته اند. اگر بتوان با بکار بستن ترفندی، با طرح مسئله ای (هر مسئله ای)، افکار عمومی را از دشمن اصلی انقلاب منحرف ساخت و نیروهای انقلابی را از توجه به دشمن اصلی انقلاب

رفیق توده ای علیرضا حیدرلو را آزاد کنید!

از بسازداشت رفیق علیرضا حیدرلو، که به «جرم» فروش نامه «مردم» به حکم دادگاه انقلاب خوی، به سه ماه زندان محکوم شده است، بیش از یکماه میگذرد. ما اعتراض شدید خود را به این عمل غیرقانونی تکرار میکنیم و آزادی فوری رفیق علیرضا حیدرلو را میطلبیم.

ویژه نامه دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران

دوما

ضمیمه نامه «مردم» با مطالب زیرین منتشر شد:
- دومین سال انقلاب شکوهمند بهمن، سال پیروزی بر توطئه های بیابسی امپریالیسم و ضدانقلاب - در کوره آزمون تاریخ - حزب توده ایران و نقش آن در پاسداری و بالندگی انقلاب - سالی دیگر همراه با خط ضد امپریالیستی و خلقی امام - تا شب چراغ دریا... (شعر) - نمادهای انقلابی در خدمت آرمانهای انقلاب - در سال مبارزه دهقانان زحمتکش برای زمین - شهیدان بهای آزادی خلق را از جان خویش میدهند - دو سال نبرد با امپریالیسم چنانیکار آمریکا - انقلابی بزرگتر از انقلاب اول - خانه از پای بست ویران است - یکسال همراه فراز و نشیب های انقلاب

پراودا: امپریالیسم آمریکا، برای حفظ مواضع خود، در مناطق مختلف شیوه های همانندی بکار میبرد: پشتیبانی از نیروهای ارتجاعی و مداخله و یا تهدید به مداخله در امور داخلی آنها

تربک نکرده است. گذشته از این، از فعالیتهای تبلیغاتی ضد ایرانی در مطبوعات آن سوی اقیانوس نه تنها کاسته نشده، بلکه حتی گسترش هم پیدا کرده است. برخی هم خواستارند که واحدهای بزرگ نیروهای مسلح آمریکا بطور دائمی در خلیج فارس مستقر شوند. «پراودا» ادامه میدهد: «در این روزها در برخی از روزنامه های آمریکا مقالاتی به چاپ رسیده است، که آشکارا جنبه تحریک آمیز دارد. برای نمونه، روزنامه «نیویورک دیلی» نیوز» نوشت: بقیه در صفحه ۴

گوش میرسید. تا همین چندی پیش مقام های واشنگتن مدعی بودند که علت اساسی فرستادن ناوهای هواپیمابر و رزم ناوها و کشتی های حمل و نقل و ویژه حمل کاندو به این منطقه، «بازداشت غیرقانونی» کارکنان سفارت آمریکا در تهران بوده است. حالا این مسئله از راه توافق میان دولت های آمریکا و ایران حل و فصل شده و «گروگان» های پیشین سرانجام به میهن خود بازگشته اند. ولی با اینکه از این جریان پیش از یک هفته گذشته است، هیچ یک از ناوهای جنگی آمریکا منطقه اقیانوس هند را

روزنامه «پراودا» ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در تفسیری، زیر عنوان «مناطق مختلف و شیوه های یکسان»، در شماره روز یکشنبه ۱۴ بهمن ۵۹ خود نوشت: «هفته گذشته هم، مانند هفته های پیشین، از بخش غربی اقیانوس هند و منطقه خلیج فارس، که آمریکا و متحدانش در آنجا واحدهای بزرگ و بی سابقه نیروی دریایی و هوایی خود را متمرکز ساخته اند، گزارش های نگران کننده ای به

همزبانی؟!!

میزان: رادیو اویسی:

«حزب توده سرسپرده و... وابسته به شوروی می باشد.» (۱۲ بهمن ۱۳۵۹) «مگر در وابسته بودن توده ای ها به مسکو شکی است؟» (۷ بهمن ۱۳۵۹) شاه ملعون: «ما بارها اثبات کرده ایم که سرسپردگی و وابستگی حزب توده به شوروی مسلم است.» (۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۷) «مخالفان اصلی ایران توده ایها بودند که از مسکو دستور می گرفتند.» (۹ آبان ۱۳۴۲) «دیگر کیست که نداند حزب کمونیست توده وابسته به شوروی با حکومت آخوندی خمنی علیه مصالح ایران متحد شده اند...» (۷ خرداد ۱۳۵۹) رادیو بختیار: «حزب توده از مسکو دستور گرفته است که با ملایان برای ویران کردن ایران تا روز آخر همکاری داشته باشد.» (۱۴ آبان ۱۳۵۹)

«حزب توده سرسپرده و... وابسته به شوروی می باشد.» (۱۲ بهمن ۱۳۵۹) «مگر در وابسته بودن توده ای ها به مسکو شکی است؟» (۷ بهمن ۱۳۵۹) شاه ملعون: «ما بارها اثبات کرده ایم که سرسپردگی و وابستگی حزب توده به شوروی مسلم است.» (۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۷) «مخالفان اصلی ایران توده ایها بودند که از مسکو دستور می گرفتند.» (۹ آبان ۱۳۴۲)

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کلید حل مشکلات...

بقیه از صفحه ۱

قرطاس بازی و بری از زورگویی، که در خدمت خلق زحمتکش عمل کند، کاری نیست که با یک اشاره انگشت بتوان آنرا انجام داد.

چهارم مشکلات ناشی از ندانم کاریها و بی تجربگیها، کمبودها، نارسائیها، کمبود کادرهای انقلابی، متخصص، اشتباهات، انحصارطلبیها، برخوردهای قشری، که این مشکلات نیز تا حدودی ناگزیرند، ولی با تمام قوای ممکن باید از ارتکاب آنها پرهیز شود.

پنجم مشکلات ناشی از جنگ تجاویز، که امریکایی چنایتکار بدست صدام چانی، بر ما تحمیل کرده است.

این واقعیت انکارناپذیری است که امپریالیسم پسرکردگی امریکا، در تمام مدت نزدیک به دو سالی که از پیروزی انقلاب میگذرد، حتی یک روز ما را راحت نگذاشته است. بلواها و شورشها پیا پی کرده، جنگ کردستان را آفریده، تروها و انفجارها سازمان داده، فشار اقتصادی وارد آورده، حملات مستقیم نظامی کرده، طرح کودتا ریخته و باجرا گذارده و بالاخره قنون صدام را بجان ما افکنده و، در یک کلمه، کوهی از مشکلات برای ما خلق کرده است، که فقط یک قره آن، همین توده بزرگ بیش از یک میلیون جنگزدگان است، که باید از آنها پذیرائی کرد، مسکن آنها، خوراک و پوشاک آنها، خدمات پزشکی و بهداشتی آنها، آموزش فرزندان آنها، خلاصه زندگی آنها را فراهم کرد، این مشکلات کوچک نیستند.

مشکلات، چنانکه دیدیم، علل گوناگون دارند، در عرصه های مختلف زندگی، بصورت های گوناگون ظاهر میشوند.

در عرصه اقتصادی، به صورت بیکاری، تورم، گرانی، احتکار و... نتیجه اش کمبود مصنوعی کالا و افزایش مصنوعی گرانی است، رکود نسبی تولید و عوارض ناشی از آن و...

در عرصه سیاسی - اجتماعی، بصورت فعالیت های مختلف ضد انقلاب متشکل (شبکه ساواک - سیا)، بلواهایی که «ترتیب های پوک» پریا میکنند، تشنج هایی که گروهها و گروهاک های ناآگاه فریب خورده زیر «چتر» لیبرالها می افزینند و...

و در عرصه سیاست خارجی، بصورت اشکال تراسی در راه بهبود و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جبهه ضدامپریالیستی و پدین وسیله گشایش (آگاهانه و یا ناآگاهانه) راه تجدید مناسبات گسترده با کشورهای امپریالیستی، بویژه در شرایط کنونی، با کشورهای اروپای غربی و ژاپن، به عنوان «پنجره های برای بازگردداندن امپریالیسم امریکا.

در تمام این عرصه ها، نقش لیبرالها، که در تلاش صرف و قبضه کردن قدرت حاکمه هستند، فعال است. اینان همه جا چوب لای چرخ پیشرفت انقلاب میگذارند، تا مشکلات را فروتر، بزرگتر، حادثی و دردآورتر کنند، سپس با اشاره موکد بر این مشکلات، دولت را در رفع آنها «نالایق» معرفی کنند و پدین

وسيله، پخیال خود، راه قبضه کردن انحصاری قدرت حاکمه را برای خود، پمنوان داری شفایخش همه دردها، یکشایند.

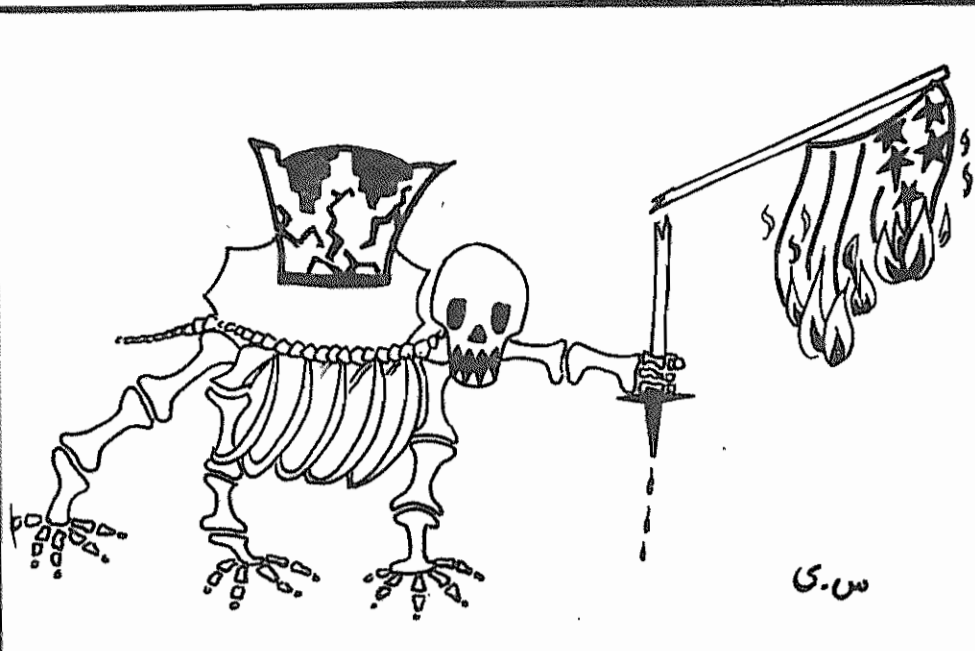
در برابر یک چنین اوضاعی چه باید کرد؟ چگونه می توان بر مشکلات غلبه کرد؟ پاسخ این پرسش، باصطلاح «یک بعدی» نیست، یعنی هر مشکلی را باید هم در ارتباط با علل پیدایش آن مشکل و هم در ارتباط با شرایط زمانی و مکانی آن، دقیقاً و همه جانبه بررسی کرد و برای رفع آن تدابیر مشخص و نحوه اجرای مشخص اتخاذ کرد و باجرا گذاشت.

ولی، بطور کلی، باید گفت که رفع مشکلات (قطع نظر از علل و منشاء پیدایش آنها) پیشبرد انقلاب میسر است. تعمیق انقلاب است، مماشات، تسامح، عقب نشینی در برابر ضد انقلاب، عقب نشینی در برابر لیبرالها به امید «نرم» کردن آنها، هرگونه لختی و سستی در پیشبرد انقلاب، نه فقط مشکلی را (حتی موقتا) حل نمیکند، بلکه برعکس، آنها ریشه دارتر، دانمندارتر و زیان بخش تر خواهد کرد.

این قانون انقلاب، قانون همه انقلابها، از جمله انقلاب ایران است که، انقلاب اگر به پیش حرکت نکند، به عقب باژ پس می نشیند. در انقلاب سکون و توقف (حتی موقتی) محال است.

هم اکنون منلا وضع کشاورزی در برابر ماست. قانون اصلاحات ارضی را نیز در برابر داریم. نبرد در عرصه روستا نیز بین دهقانان بی زمین و کم زمین از یکسو و بزرگ زمین داران و فئودالها از سوی دیگر جریان دارد. ما اگر اصلاحات ارضی (بخصوص بند «ج») را با قاطعیت اجرا کنیم، هم به افزایش تولید کشاورزی کمک کرده ایم، هم توده های میلیونی کشاورزان زحمتکش را در جبهه انقلاب همچون مدافعان فعال و از جان گذشته بسیج کرده ایم و هم صف ضدانقلاب را در روستا درهم شکسته ایم. برعکس، اگر ما به گمان آرام کردن روستا، اجرای اصلاحات ارضی و یا بند «ج» آنرا متوقف کنیم، هم بزرگ زمین داران و فئودالها را جری کرده ایم، هم توده های کشاورزان زحمتکش را ناامید و مایوس ساخته ایم و در نتیجه جبهه انقلاب را تضعیف کرده ایم و هم - چنانکه تجربه نشان میدهد - تولید کشاورزی را افزایش نداده ایم که سبب است، آنرا کاهش داده ایم.

یا منلا مسئله بازرگانی خارجی را در نظر بگیریم. نبرد بیسن نیروی انقلاب از یکسو و نیروهای ضدانقلاب و لیبرال از سوی دیگر، بر سر مسئله ملی کردن (دولتی کردن) بازرگانی خارجی جریان دارد. میدانیم که سرمایه بزرگ و تجاری وابسته یکی از منابع مهم نیروی ضدانقلابی است. ما اگر این دژ ضدانقلاب را تصرف کنیم، در واقع ضربه بسیار سختی بر پیکر ضدانقلاب وارد ساخته ایم. هر یک روز که ملی کردن بازرگانی خارجی، بر دلیلی، دچار وقفه شود، احتکار، گرانی مصنوعی و در نتیجه نارضائی توده های میلیونی مصرف کننده فزونی میکیرد، انقلاب



سی

لیبرالها «آتش»...

بقیه از صفحه ۱

مرگ بر آمریکا همواره و همیشه در فضای ایران باید طنین افکن باشد و یک لحظه نیز نباید از طنین آن کاسته شود.

اکنون دیگر مسئله «گروگانها» حل شده است. آنچه که از آن باقی مانده، مبارزه برای تجدیداتی است که برعهده گرفته است.

ولی لیبرالها میخواهند این مسئله تمام شده را به صورت «مسئله روز درآوردند، آنرا به بحث بگذارند، به بهانه آن دولت را تضعیف کنند و راه بازگشت خود را به مسند قدرت حاکمه هموار سازند، آنرا وسیله انحراف افکار و نیروی رزمنده انقلابی از دشمن اصلی قرار دهند، هتباری مردم را نسبت به دشمن اصلی تخدیر کنند.

اکنون خطر آمریکا از هر موقع و هر زمان دیگری برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بیشتر است، باین دلیل که همه توطئه های آمریکا تاکنون خشن شده است و جنگ تهاجمی صدام نیز به نتیجه مطلوب، یعنی براندازی جمهوری اسلامی

تضعیف میشود، یعنی ضدانقلاب تقویت میشود. برعکس، اگر ما این دندان زهر ضدانقلاب - سرمایه داران بزرگ تجاری وابسته را از صحنه خارج کنیم، بازرگانی خارجی را کلا در دست دولت و زیر کنترل دولت درآوریم، نه فقط قشری از ضدانقلاب بالقوه و بالفعل را از میدان بدر برده ایم، بلکه با ریشه کن کردن احتکار، با مهار گرانی، با ارزان تر عرضه کردن کالا، توده های میلیونی را نسبت به انقلاب امیدوارتر و معتقدتر کرده ایم و در نتیجه جبهه انقلاب را تقویت کرده ایم.

در هر عرصه دیگری و در مورد هر مشکل دیگری، اگر دقت کنیم، متوجه می شویم که کلید حل آن مشکل، نه در «آشتی» با آن مشکل، نه در تحمل آن، نه در عقب نشینی در برابر مخالفان حل آن است، بلکه کلید حل آن مشکل (هر مشکلی) در پیشرفت بسوی اهداف ضدامپریالیستی - مردمی انقلاب، در تعمیق انقلاب، در برداشتن گامهای مصمم و جدی تر در راه نوسازی کشور (در همه زمینه ها) بسود تحکیم استقلال کشور، بسود زحمتکشان است. ما در این باره باز هم در فرصت دیگری سخن خواهیم گفت.

عملیات جنگی علیه تجاوزگران صدامی ادامه دارد!

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۳۹۷ خود، عملیات مدافعان انقلاب را علیه متجاوزین صدامی طی روز جمعه برشمرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است: عناصر مسلح غیرقانونی در روز گذشته (جمعه) یادگان سپاد و مقر سپاه پاسداران و یگان ژاندارمری شهر را زیر آتش سلاحهای خود قرار دادند که از طرف نیروهای ارتشی و ژاندارمری و سپاه مواضع ضدانقلابیون مورد هدف و آتش قرار گرفت. در این عملیات یک برادر پاسدار مجروح شد.

رزمندگان جان پر کف نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات شجاعانه روز گذشته (جمعه) خود در جبهه های غرب با وارد آوردن ضربات مهلك بی مزدوران ارتش عراق و دفع هرگونه تهاجم و تلاش پیبوده آنان، این تلفات و خسارات را به دشمن کفر وارد کردند: انهدام ۴ تانک، ۵ توپ، یک دستگاه موشتک انداز کاتیوشا، ۱۳ خودرو، ۲ کامیون مهمات، ۲۰ سنگر اجتماعی و افرادی، ۲ موضع توپخانه و به آتش کشیدن ۲ چادر مهمات و به هلاکت

رسانیدن و زخمی کردن بیش از ۱۴۵ نفر از صدامیان کفر. در این عملیات جانبازان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران توانستند ۶ نفر از نیروهای دشمن را اسیر و یک موشتک انداز را به غنیمت بگیرند.

روز گذشته (جمعه) برائسر آتش رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در یکی از جبهه های آبادان، یک سنگر دیده بانی و چندین سنگر افرادی و اجتماعی دشمن به آتش کشیده و منهدم شد و از نیروهای مزدور صدام حدود ۲۰ نفر کشته و مجروح شدند.

در عملیات سایر جبهه های آبادان رزمندگان مسلمان با اجرای آتش دقیق و شدید خود بر روی مواضع دشمن ۳ تانک، یک توپ ۱۰۵ میلیتری، یک توپ ضد هوایی و یک خمپاره انداز و چندین سنگر افرادی و اجتماعی دشمن منهدم و ۵ نفر از مزدوران عراقی به هلاکت رسیدند.

برائرتش توپخانه مزدوران خانه مسکونی ویران و ۳۰ نفر از مردم شهر مجروح شدند. روز گذشته (جمعه) مواضع مزدوران ارتش عراق در

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای اخیر در نامه «مردم» بچاپ رسید، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

* خلیج فارس: بازگشت به «سیاست کشتی توپدار» (شماره ۴۳۲)

* شباهت آرزوی ریگان و آرزوی لیبرالها (شماره ۴۳۲)

پراودا: امپریالیسم...

بقیه از صفحه ۱

«بقیة ما، بهترین کاری که ایالات متحده می تواند در حال حاضر بکند، اینست که، بسا پیروی از توصیه هنری کیستینر، بحث قابل توبی از نیروهای مسلح خود را هرچه زودتر در حاورماتنه مستقر سازد».

استقرار نیروهای آمریکا در خاور نزدیک بمعنای آنست که اگر در ایران جنگ خانگی آغاز شود، آمریکا امکان خواهد داشت، به صلاحدید خود به یکی از طرفین کمک برساند. بدین ترتیب معلوم میشود که «بازب» های امریکایی چه آرزوهایی در سر می پرورانند!

حال ببینیم چگونه میتوان این گونه فراخوانها را با موافقتنامه ای که تا زگی درباره «گروگانها» به امضا رسید و در ان امریکا رسماً متعهد شد که در آینده در امور ایران دخالت نکند، وفق داد. این روزنامه امریکایی مسئله نامبرده را مسکوت گذاشته و به شیوای بکلی استثمارگرانه به آن پاسخ داده است.

«نیویورک دیلی نیوز» مینویسد: «ما نباید زیاد تکران آن بشیم که در نتیجه این امر ربعی حمله به ایران، برحسب تصاف، چند شیشه پنجره خانه های تهران هم شکسته شود!»

همزمان با بحث درباره سرنج های ماجراجویانه علیه ایران، د السالوادور هم هر روز رویدادهای تازه ای رخ میدهد، که بپه میکند واشنگتن برای مداخله در امور داخلی این کشور تلاش می ورزد، تا از اینراه اسیر حوادن را در مسیر باب طبع امپریالیسم امریکا سوق دهد.

«پراودا» در باین متذکر می شود:

«ایران و السالوادور چندین هزار کیلومتر با یکدیگر فاصله دارند، اما امپریالیسم امریکا، برای حفظ مواضع خود، در هر دو منطقه به شیوه های همانندی دست میزند: پشتیبانی از نیروهای ارتجائی و مداخله و یا تهدید بمداخله در امور داخلی آنها».

قسمت غربی خوین شهر و «ام الرصاص» و «الدویب» و «المخراک» زیر آتش رزمندگان ایران قرار داشت و تعدادی از نیروهای دشمن کشته و مجروح و مقادیر قابل توجهی از تجهیزات و مهمات آنها به آتش کشیده شد. از نیروهای خودی نیز ۳ نفر مجروح شدند.

بررسی «بخشنامه بودجه سال ۱۳۶۰ کل کشور»

۱- مقدمه

"بخشنامه بودجه سال ۱۳۶۰ کل کشور" به سازمان‌های اجرایی صادر شده و متن آن در روزنامه‌های هفتم بهمن ۵۹ به چاپ رسیده است. طبق تعریفی که در ابتدای بودجه از سیاست‌های کلی داده شده، خاطر نشان می‌گردد که:

بودجه سال ۱۳۶۰ برای شرایط جنگی و محاصره اقتصادی کشور و مسائل ناسی از آن‌ها تهیه می‌شود. این سیاست کلی مورد تأیید است و چه بهتر می‌بود اگر در ابتدای "بخشنامه" خاطر نشان می‌شد که دشمنی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش با انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، امری موقتی و موضعی و تصادفی نیست، بلکه خصومتی ذاتی، پایدار و همه‌جانبه است. به همین مناسبت، در تدوین بودجه، ولو بودجه‌های سالیانه، نه تنها شرایط حاضر جنگی و محاصره اقتصادی کشور، بلکه باید شرایط آینده نیز، که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی وابسته به آن، ما را همواره سرگرم توطئه‌های جدید نگاه خواهند داشت، در نظر گرفته شود.

اگر از دید اخیر به تنظیم بودجه بپردازیم، آن وقت مشاهده خواهیم کرد که، از هم‌اکنون، اولاً، هرچه سریع‌تر باید به تأمین منابع درآمد بودجه از محل‌های مطمئن، که در عین حال به سلامت اقتصادی-اجتماعی کمک کند، بپردازیم، ثانیاً در انجام هزینه‌ها، ضمن توجه به تقویت سریع و همه‌جانبه نیروهای دفاعی، برای احیاء و توسعه تولید، ترمیم خرابی‌های جنگ و اقدامات وسیع عمرانی-رفاهی اولویت قائل شویم.

متأسفانه باید گفت، در آنچه که مربوط به تأمین منابع مالی بودجه است، در "بخشنامه" تقریباً به آن اشاره‌ای نشده، و در آنچه که مربوط به تعیین اولویت‌هاست، احیاء و توسعه تولید بزرگ داخلی، بعنوان مسئله مرکزی احیاء فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی در دوران پس از پیروزی انقلاب، در مرکز توجه قرار نگرفته است.

ما در زیر به بحث کلی درباره این مسائل می‌پردازیم.

۲- منابع درآمد در بودجه ۱۳۶۰

امپریالیسم و بواسطه‌ها در ربع قرن تسلط رژیم دست‌نشانده پهلوی، سیاست استقلال‌شکنانه و خانمان-براندازی را در تدوین بودجه کشور ما تحمیل کرده بودند. اساس این سیاست آن بود که، درآمد بودجه منحصر به درآمد نفت و مالیات‌های غیرمستقیم منگی سود، و هزینه‌ها صرف اجرای برنامه‌های ضد ملی‌تسلطی و وابستگی اقتصادی و نظامی و سیاسی به امپریالیسم جهانی، و در نوبه اول، امپریالیسم آمریکا گردد. این سیاست‌ها نتیجه‌آفرین و نتایج آن، به صورت از دست رفتن ذخایر عظیم نفت و درآمد‌های آن، اختلال اقتصادی-اجتماعی و عقب‌ماندگی و تشدید وابستگی در برابرماست.

وابستگی درآمد بودجه به درآمد نفت و مالیات‌های غیرمستقیم از عمده‌ترین و خطرناک‌ترین نقاط ضعف بودجه ایران بود. با استفاده از همین نقاط ضعف بودجه که امپریالیست‌ها به محاصره اقتصادی و تهاجم نظامی به قصد درهم کوبیدن صنایع نفت ایران اقدام کردند، با این تصور که، با قطع و یا کاهش درآمد نفت، می‌توان ایران انقلابی را بزانو درآورد. چنانکه محاسبه ضدانقلاب داخلی اکنون این است که، با تأمین درآمد بودجه از راه مالیات‌های غیرمستقیم، که بار آن بطور عمده بر دوش طبقات

مشکلات کسب درآمد را باید از راه دریافت مالیات‌های مستقیم حل کرد و اولویت در هزینه‌ها را باید به دفاع، احیاء و توسعه تولید، ترمیم خرابی‌های جنگ و اقدامات وسیع عمرانی - رفاهی اختصاص داد.

اجتماعی دارد و مردم را به تحولات بنیادی بسودتوده‌ها امیدوار می‌سازد. با در نظر گرفتن مجموعه این جهات، جای تأسف است که این مطلب مهم، یعنی تغییرات اساسی در بودجه سال آتی، از نظر تعیین اولویت برای دریافت مالیات‌های مستقیم، بعنوان منبع اصلی درآمد بودجه، به دست فراموشی سپرده شده و، در نتیجه، این نگرانی را در مردم زحمتکش به وجود آورده که، همانند گذشته، هزینه‌های سنگین دستگاه دولتی به حساب درآمد ناچیز آنسان و از راه دریافت مالیات‌های غیرمستقیم تأمین خواهد شد. این نگرانی باید مرتفع گردد. تجدیدنظر در منابع درآمد بودجه سال ۱۳۶۰ باید مورد توجه جدی مسئولین دولت انقلاب واقع شود.

نظر ما، راه حل اینست که: اولاً، بدون تأخیر، سهم درآمد نفت را در بودجه، به حد ممکن و تا جایی که از نظر تأمین نیازهای دفاعی و حوایج اولیه زندگی بدان نیاز داریم، کاهش دهیم. ضمناً توجه داشته باشیم که در دریافت درآمد نفت، آنچه مهم است، ارزش خارجی به اصطلاح "معتبر" نیست، که در لحظات حساس، مانند دلارهای ما، می‌تواند بلوکه شود و پول متعلق به ما بعنوان اسلحه‌های علیه انقلاب‌ها و اقتصاد ملی ما بکار رود. در دریافت درآمد نفت، مهم دریافت کالا‌های ضروری و تأمین نیازهای دفاعی از منابع مطمئن و قابل حصول است. تجربه نشان می‌دهد که در حین امروز چنین منابعی وجود دارد و با اطمینان و بدون دغدغه می‌توان برای شگست توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش و به سود تحکیم استقلال جمهوری اسلامی ایران و تثبیت و تعمیق پیروزی‌های انقلاب، از آن‌ها استفاده کرد.

۳- هزینه‌ها در بودجه ۱۳۶۰

دستورالعمل‌های تفصیلی "بخشنامه بودجه سال ۱۳۶۰ کل کشور" جزئیات سیاست عملیاتی در زمینه‌های صنعت و معدن، کشاورزی و عمران، روسای، انرژی، منابع آب، حمل و نقل، ارتباطات، مخابرات و پست، بهداشت، درمان، تأمین و رفاه اجتماعی، مسکن و عمران شهری، بازرگانی و خدمات، اطلاعات و ارتباطات جمعی و امور عمومی را دربر می‌گیرد. در حالی که در این قسمت از "بخشنامه"، به جزئیات امور پرداخت شده، بنظر می‌رسد که کلیات و مسائل اساسی زیربنایی در تدوین بودجه ۱۳۶۰ از نظر افتاده است.

ملا، در حالیکه می‌دانیم تعیین حدود مالکیت در صنایع، تمرکز اداره موسسات صنعتی و خدماتی ملی شده در دست دولت، احیاء و توسعه صنایع، اصلاحات ارضی و تسریع در برجیدن سلطه بزرگ مالکان و فئودال‌ها از دهات، تنظیم و استقرار روابط عادلانه بین کار و سرمایه، ملی کردن بازرگانی خارجی و تمرکز ذخایر عمده کالایی در دست دولت، تدوین سریع برنامه‌های آموزشی و دانشگاهی و نظایر آن، از سیاست‌های اساسی و زیربنایی در بودجه‌های بودجه‌هاست، معذک و متأسفانه، به هیچیک از این مسائل مهم در متن "بخشنامه" اشاره نشده است. ولی اثر درست است که بودجه آینده تمام‌نمای سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت است، در آن صورت تنظیم "بخشنامه" بودجه به این صورت، به این معنی است که گویا دولت انقلاب نسبت به حل این مسائل نظر موافق ندارد و یا لاقبل بیطرف است، که قاعدتاً نباید چنین باشد. پس علت این عدم توجه چیست؟ پاسخ این سؤال با دولت است.

بهر حال، تدوین بودجه، بدون پرداختن به مسائل گری سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی، امری نیست که با سیاست قاطع انقلابی، که دولت انقلاب به مردم وعده می‌دهد، هم-آهنگی داشته باشد.

از مطلب فوق که گذریم، آنچه در توصیه‌های "بخشنامه بودجه ۱۳۶۰" جلب نظر می‌کند، پرداختن به خرید-کاری و از نظر دورداشتن این مطلب است که، بهر حال مشکلات اقتصادی-اجتماعی حاصه بعد از انقلاب را فقط می‌توان و باید با قرارداد تولید اجتماعی، آن هم تولید بزرگ و عمده در مرکز توجه، حل و فصل کرد. در کشوری که دارای بعدها عظیم صنعتی-کشاورزی، نظیر صنایع عظیم نفت، ذوب آهن و فولاد، صنایع نسبتاً بزرگ ماسینی و کارخانه‌ای، ساختمانی و ارتباطی و شرکت‌های کمت و صنعت

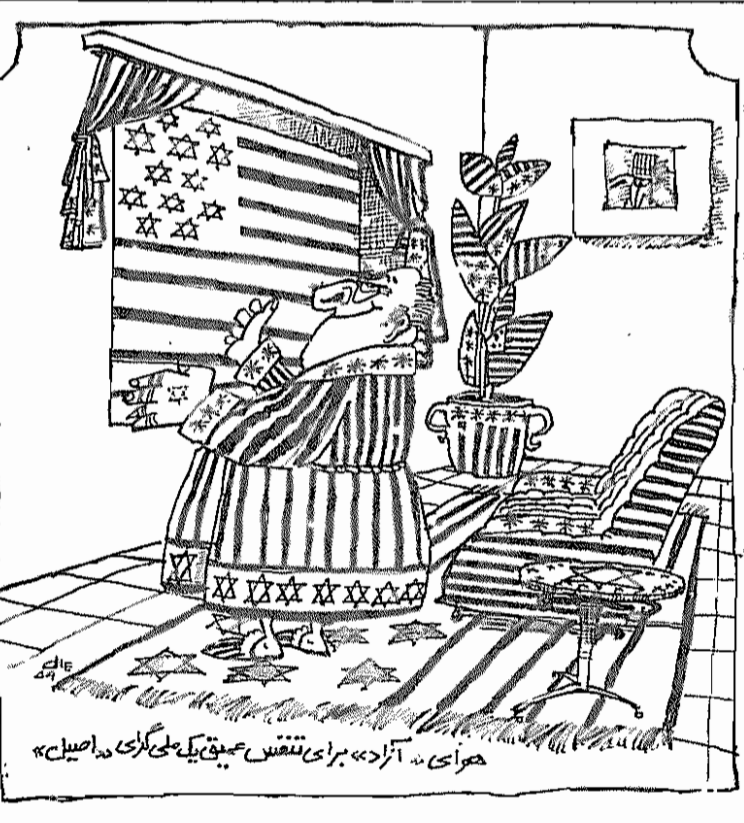
و حمل و نقل و راه و نظام‌ها، و در اولویت قرارداد تولید صنایع مادر و ماشین‌سازی تنها از آن نظر که رسد اقتصادی-اجتماعی حاصه پس از انقلاب در کشور ما، موکول برداختن به این مسائل است، ضرور نیست. پرداختن به این مسائل و اولویت قائل شدن برای آنها، از نظر تأمین نیاز-های دفاعی و فعال کردن صنایع نظامی و تأمین نیروهای دفاعی و شهرهای بزرگ با آذوقه و لوازم اولیه ضرور است. تولید حربه نمی‌تواند حواب-گوی این حوائج باشد. حمایت از تولیدکنندگان خرده ضرور است، ولی اگر این حمایت به قیمت به فراموشی سپردن تولید و خدمات بزرگ باشد - که بهر حال به قیمت سنگینی در کشور ما پایه‌گذاری شده - این بهزیان همان تولید خرده، و مهمتر از آن، همان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ماست. در شرایط کنونی رسد اقتصادی-اجتماعی حاصه ایران، رشد و شکوفایی انقلاب ایران فقط و فقط می‌تواند با تکیه بر تولید بزرگ و عمده صنعتی و کشاورزی و پرداختن هر چه سریع‌تر به مسائل زیربنایی جنبش رشدی میسر گردد. در بودجه سال ۱۳۶۰، می‌توانستیم لاقبل در این سمت جهت‌گیری کنیم، که متأسفانه به آن نپرداخته‌ایم، و حتی در جهت عکس قدم برداشته‌ایم.

۴- نتیجه

برای تصحیح در سیاست‌های کلی و جزئی بودجه سال ۱۳۶۰ وقت داریم. بخشنامه نحس و بربر-سوسه منظور نظر خواهی در مطوعات چاپ شده است. ما انتظار داریم و امیدواریم که مسائلی که ما به آن اشاره کردیم، مورد توجه مسئولان دولت انقلاب قرار گیرد. خلاصه کنیم:

اولویت‌های بودجه در مسائل اساسی، باید به تبع اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، که در لحظه کنونی در بنیادین رسیدن پیروزمانده جنگ، تحکیم استقلال، رسد سریع اقتصادی، بسیررف اجتماعی و رفاه عمومی خلاصه می‌شود، معین گردد.

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!



کارگران پلاستیک سازی «ایران دار» در مقابله با اقدام های ضد انقلابی کارفرما

شرکت پلاستیک سازی «ایران دار» حدود سی سال قبل، با چند دستگاه پرس دستی، شروع بکار کرد. اما کارفرما با خدمت گرفتن روزانه تاشانزده ساعت نیروی کار کارگران واستثمار شدید آنها، بتدریج توانست با پولی که از این راه به دست آورد، دستگاه های بیشتر و مدرن تری خریداری کند. در حال حاضر این شرکت در تهران و ساوه دارای دوشعبه است. تولید آن نیز انواع ظروف پلاستیکی، از قبیل ظروف شامپو، مایع ظرفشویی، پودر و غیره است.

آنها به بهانه "نداشتن" پول و "کمبود" مواد اولیه، از طرف کارفرما اخراج شدند. مواد اولیه مورد نیاز این شرکت از کشورهای آلمان غربی، هلند، ایتالیا و ژاپن خریداری می شد. قبل از محاصره اقتصادی ایران توسط آمریکا و هم - پیمانان اروپای غربی، اش، هر کیلومواد اولیه به قیمت پنجاه ریال خریداری می شد. ولی بعد از محاصره اقتصادی، از طریق کشورهای واسطه (ترکیه، پاکستان، کویت و غیره) با قیمتی بیش از سه برابر قیمت قبلی خریداری می شود.

طولانی دستمزد کم، میبایستی توهین و ناسزاها و حتی ضرب و شتم کارفرما را تحمل می کردند. علاوه بر همه این - تزییقات، بنابه گفته کارگران "کارفرما سرهنگ بازنشسته ای را استخدام کرده بود، تا اگر کارگری کمترین اعتراضی کرد، با زور و ارباب و راهزنی ها، کتک می زدند.

خواستار پرداخت دستمزد عقب افتاده خود شدند. ولی کار - فرما با جوابهایی از قبیل: "فعلا پول نداریم" و یا "بخاطر شما قبول کردیم که کارخانه به کار خود ادامه دهد، چون ما به پول احتیاج نداریم و با نزول ۱۸ میلیون تومان پولی که داریم، می توانیم زندگی کنیم!" و غیره میخواست دستمزد کارگران را نبردازد.

لازم است این بار سنگین از دوش کارفرما برداشته شود، تا وی مجبور نباشد جیبش را فشاری را تحمل کند.

برخورد غیرانقلابی مأمور بیمه

دراواخرخرداد ماه سال جاری، از طرف بیمه مأمور ی به شرکت آمد و به اضافه کاری کارگران حق بیمه اضافه کرد. کارگران به این مسئله اعتراض کردند و گفتند:

"چرا باید حق بیمه به اضافه کاری ما تعلق بگیرد؟ ما که هر روز هفته را روزانه ۱۲ ساعت کار می کنیم و طبق هشت ساعت کارمزایا دریافت می کنیم." ولی پیش از آنکه کار - فرما پاسخی بدهد، ما موربیمه در جواب گفته بود: "ما هم از رژیم دلخوشی نداریم، ما مقرر نیستیم!"

نفوذ عناصر ناصالح در ارگانهای دولتی برنا -

* با تامین مواد اولیه از کشورهای دوست می توان از افزایش بی رویه قیمت ها جلوگیری کرد.

۱۷ ساعت کار، هشت ساعت مزد

کارگران این شرکت در تهران در دونوبت ۱۲ ساعته (از ساعت هفت صبح تا هفت بعد از ظهر) و از ساعت هفت بعد از ظهر تا هفت صبح کار می کنند. کارگران روزگار، ظهرها نیم ساعت استراحت می - کنند. این نیم ساعت از ساعات کار کارگران کم می - شود. با این حال، کارگران دستمزد هشت ساعت کار را دریافت می کنند. ساعت کار کارگران طبق قانون کار ۴۴ ساعت در هفته است. این مدت در هفته نباید از ۴۸ ساعت تجاوز کند و برای این مدت کار نیز باید دستمزد و مزایایی در نظر گرفته شود، که بتواند تامین کننده ما یحتاج زندگی کارگران و خانواده اش باشد. همچنین با تقلیل ساعت کار به هشت ساعت در روز، می توان گروه دیگری از کارگران بیکار را به کار گرفت. این اقدام اگر در سطح وسیعی صورت گیرد، می تواند کمکی برای رفع بحران بیکاری باشد.

کمبود مواد اولیه و بهانه کارفرما برای اخراج کارگران

در شعبه تهران ۴۱ نفر کار می کنند: ۲۶ نفر کارگر پرسکار، ۳ نفر سرکارگر و بقیه در قسمتهای تراشکاری، انبار و... تعداد کارگران قبل از انقلاب حدود ۵۵ نفر بود، ولی از آن پس، پانزده نفر از

بدین طریق از یک سوم مقدار قبلی توجی ارز از کشور خارج میشود و از سوی دیگر قیمت محصولات کارخانه افزایش می - یابد.

بعد از انقلاب، مواد خریداری شده حدود چهار ماه در بندرهای کشور متوقف بود و عوامل ضد انقلاب از ترخیص آن جلوگیری می کردند. و این - درست زمانی بود که کارفرما، به بهانه کمبود مواد اولیه، قصد تعطیل کردن شرکت و مهاجرت به انگلستان را داشت. برای جلوگیری از چپاول - گریهای امپریالیست ها و تامین مواد اولیه مورد نیاز جهت براه اندازی کارخانه ها و تولید هر چه بیشتر ما یحتاج مردم، با اقدامات لازم و ضروری صورت گیرد. از جمله می توان مواد اولیه مورد لزوم را از کشورهای دوست انقلاب ایران تهیه کرد. این کاری می تواند از سویی به استقلال اقتصادی کشوریاری برساند و از جانب دیگر قیمت کالاها را تعدیل کند.

مبارزه صنفی - انقلابی کارگران

تا اواخر حکومت رژیم طاغوت دستمزد کارگران این شرکت ۲۲۵ ریال در روز بود. این دستمزد در اوایل انقلاب به چهل الی پنجاه تومان رسید. اما هیچگونه مزایایی به آنها تعلق نمی گرفت و این حقوق نمی توانست جوابگوی هزینه زندگی کارگران باشد. لذا مبارزه برای افزایش دستمزد آغاز شد، ولی کارفرما از پرداخت آن امتناع می ورزید. کارگران علاوه بر کار

وظیفه دیگر این شخص آن بود که اگر کارگری چند دقیقه ای تاخیر کرد، برای او یک روز غیبت منظور کند. حتی اگر کارگری به دستشویی می رفت، از او بازجویی به عمل می آمد.

تشکل صنفی برای پراه اندازی کارخانه و تامین خواستها

بعد از انقلاب، کارگران توانستند با تشکیل شور - بعضی از خواسته های خود را به دست آورند.

اولین اقدام کارگران بعد از تشکیل شورا، ادامه کار کارخانه بود، که کارفرما قصد تعطیل کردن آن را داشت. پس از چندین بار بحث و گفتگو بین نمایندگان کارگران و مسئولین وزارت کار و صنایع و معادن، قرار شد کارخانه به کار خود ادامه دهد.

پس از مدتی، کارگران تقاضای بیمه و سرویس رفت و آمد کردند. سرانجام بیمه - شدن کارگران مورد قبول کارفرما قرار گرفت. همچنین کارگران توانستند کارفرما را وادار به پرداخت حداقل دستمزد کنند، که از طرف وزارت کار تصویب شده بود.

ظرفه رفتن کارفرما از پرداخت حقوق کارگران

البته کارفرما حدود چهار ماه پرداخت دستمزد کارگران را به تعویق انداخت. در نتیجه کارگران در محوطه کارخانه اجتماع کردند و

این خواست کارگران نیز با اتحاد آنها جامعه عمل پوشید و ۴ ماه دستمزد عقب افتاده بر مبنای آخرین میزان تعیین شده از طرف وزارت کار، وهم - چنین دیگر مزایای قانونی (حق مسکن، اولاد، خواروبار) پرداخت شد.

در اردیبهشت ماه سال جاری، کارگران بار دیگر طی نامه ای به کارفرما، خواستار حق سرویس یا تامین وسیله رفت و آمد شدند. نمایندگان کارگران پس از چندین بار مراجعه به وزارت کار، وقتی با جواب منفی روبرو شدند، از بیم اخراج (طبق ماده ۲۳ قانون کار) متاسفانه قاطعیت چندانی نشان ندادند.

نمایندگان کارگران می - گویند:

* مراکز تولیدی را، که توسط کارفرماها در حال تعطیل شدن هستند، باید مصادره کرد و به خدمت انقلاب درآورد.

رضایتی کارگران دامن می - زند. نمونه آن اقدام غیر - انقلابی این مأمور است. چنین اعمال و سخنانی از سوی مأمورین دولتی برنارضایتی کارگران می افزاید و میتواند ضد انقلاب ایجاد کند. باید از ادامه کار این افراد، جلوگیری کرد و اقدامات لازم را برای طرد این عناصر به عمل آورد.

«اگر حرفی بزنی، به ما مارک می زنند و اخراج می کنند.»

روز ۲۷ تیرماه امسال کارگران طی نامه ای به شورا از نمایندگان خود پشتیبانی کردند و از آنها خواستند تا برای تحقق خواست هایشان بکوشند. کارگران که به نیرنگ های کارفرما آشنا بودند، تاکید داشتند که تا فراهم آمدن وسیله رفت و آمد، کارفرما حق سرویس را پرداخت کند. سرانجام مقرر شد، بعد از اتمام مرخصی سالیانه، این مسئله پیگیری شود.

مسئولین امر باید با طرح و تصویب قوانین واضح و روشن از چنین اقدامهایی که کارفرما علیه کارگران انجام می دهند، جلوگیری بعمل آورند. کارفرما به گفته خود احتیاجی به این کارخانه ندارد و بخاطر کارگران! و بخاطر "تامین زندگی آنها!" است که اجازه فعالیت کارخانه را می دهد. در این صورت

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!



ضرورت حل مسائل ایمنی و رفاهی کارگران «میخ سازی ایران»

در این کارخانه میخ سازی ایران (تهران)، که به تولید انواع میخ و مفتول می پردازد، به بخش خصوصی تعلق دارد. در این کارخانه مجموعاً ۲۰۰ کارگر که بجز ۵۰ نفر، بقیه مرده ستند، در ۲ شیفت صبح و عصر مشغول کارند.

مواد اولیه این کارخانه، که بطور عمده کلاف های فلزی است، از کشورهای اروپای غربی و از طریق پاکستان وارد می شود. در این کارخانه اولاً به علت دستگاه های نورد و پرس قدیمی که در حدود بیست سال از عمر آن می گذرد، و نیز عدم رعایت مسائل ایمنی، از جمله مجهز نبودن کارگران به لباس کفش، دستکش، ماسک و عدم استفاده از هواکش های کافی و مناسب جهت تعویض هوای مسموم کارخانه، کارگران همواره در معرض حوادث و بیماری های ناشی از شرایط کار هستند. از این رو کارگران این واحد، توجه عاجل مسئولین امر را در رفع نقایص نامبرده می طلبند.

در مورد دستمزد نیز، اگرچه حقوق پایه (روزانه ۳۵۰ ریال) رعایت می شود، ولی درجه بندی مراتب جهت ارتقاء حقوق و مزایا، متناسب با سنوات خدمت و نیز تجربه و تخصص، به درستی

در این کارخانه میخ سازی ایران (تهران)، که به تولید انواع میخ و مفتول می پردازد، به بخش خصوصی تعلق دارد. در این کارخانه مجموعاً ۲۰۰ کارگر که بجز ۵۰ نفر، بقیه مرده ستند، در ۲ شیفت صبح و عصر مشغول کارند. مواد اولیه این کارخانه، که بطور عمده کلاف های فلزی است، از کشورهای اروپای غربی و از طریق پاکستان وارد می شود.

در این کارخانه اولاً به علت دستگاه های نورد و پرس قدیمی که در حدود بیست سال از عمر آن می گذرد، و نیز عدم رعایت مسائل ایمنی، از جمله مجهز نبودن کارگران به لباس کفش، دستکش، ماسک و عدم استفاده از هواکش های کافی و مناسب جهت تعویض هوای مسموم کارخانه، کارگران همواره در معرض حوادث و بیماری های ناشی از شرایط کار هستند. از این رو کارگران این واحد، توجه عاجل مسئولین امر را در رفع نقایص نامبرده می طلبند. در مورد دستمزد نیز، اگرچه حقوق پایه (روزانه ۳۵۰ ریال) رعایت می شود، ولی درجه بندی مراتب جهت ارتقاء حقوق و مزایا، متناسب با سنوات خدمت و نیز تجربه و تخصص، به درستی

دهقانان حامی هیئت‌های هفت نفری و هیئت‌ها پشتیبان حق و عدالت و دهقانان زحمتکش هستند

در سال جاری، انقلاب بایک نهاد مومن و کارآغنی تر شد. در کنار سپاه پاسداران و جهادسازندگی و دیگر نهادهای انقلابی هیئت‌های هفت نفری برای اجرای قانون واگذاری زمین تشکیل شدند، که نقش عظیمی را در تصویب انقلاب ایفا میکنند. جسم امید میلیونها دهقان تهیدست هم اکنون به آنها دوخته شده است. اگر چه دسایس بزرگ مالکان و لیبرال‌ها و روحانی‌نمایان ضدخط امام مانعی در راه انجام وظایف این هیئت‌ها ایجاد کرده و تعویق موقتی بند "ج" گاه «وجب تزلزل در کار آنها شده است، ولی همه انقلابیون و بیوزنه خود دهقانان چون مردمک چشم از این نهاد انقلابی پاسداری میکنند. سایر نهادهای انقلابی نیز حمایت روز افزون و امیدبخش خود را نصیب آنها ساخته‌اند.

اکنون دیگر مقامات رسمی کشور وهمه دست‌اندرکاران متعدد و علاقمند به سرنوشت انقلاب، بی برده‌اند و گاه بصراحت میگویند که ادامه فعالیت هیئت‌ها و اجرای تمام مواد قانون نفوری و حیاتی است. سخنی که چهارماه پیش دبیر هیئت هفت نفری فارس بهنگام تشدید تهنیت بزرگ مالکان و خوانین فارس گفت، اینک دیگر درستی خود را برهمگان ثابت کرده است. وی یادآوری کرد که:

"در صورت انحلال احتمالی این هیئت‌ها و جلوگیری از ادامه فعالیت آن، عموم مسائل کشاورزی کشور دچار آن جناب درگویی مسیبت‌بار و ناسامانی حیران‌ناپذیری خواهد شد، که در موقعت کنونی هیچ نیرویی توان بازسازی و جبران آن را خواهد داشت.

خوشبختانه نبرد دلاورانه نهادهای انقلابی و مسئولان متعدد و هشیاری و حمایت خود دهقانان مانع از انحلال هیئت‌ها شد. ولی متأسفانه توطئه‌های ضدانقلابی کار اصلی آنها را هنوز دچار وقفه ساخته است. اکنون که بیش از همیشه ضرورت ادامه فعالیت همه جانبه هیئت‌های هفت نفری و اجرای تمام و کمال قانون در پهنه کشور احساس میشود، اخبار و مطالب این مذبذبه نامه "برگام" را بدان اختصاص میدهم.

اتحادیه دهقانان دیره و محمدآباد
علیشاه عوض - شهردار:

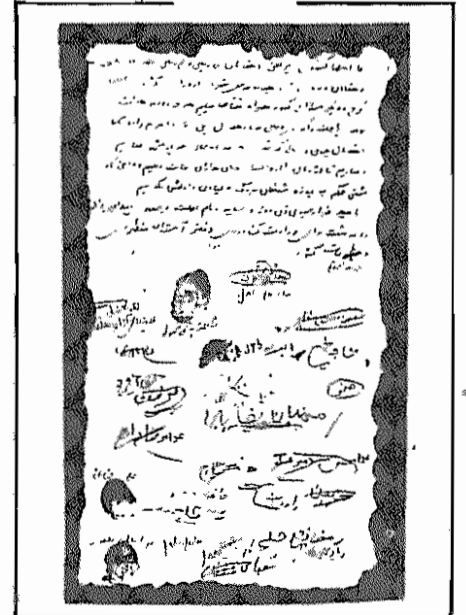
هرچه زودتر هیئت ۷ نفری را اعزام دارید

می‌خواهیم بکاریم و بکاریم تا کشورمان
را از وابستگی به امپریالیسم نجات دهیم

رونوشت این نامه، که برای مطبوعات کشور فرستاده شده، به دفترنا "مردم" نیز رسیده، که عیناً کلیشه می‌کنیم و مطالب آنرا میخوانید:

ما امضاکندگان زیریعلنی دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین عضو اتحادیه دهقانان دیره و محمدآباد علیشاه عوض شهردار از وزارت کشاورزی استان کرج (که اداره کشاورزی شهرستان کرج) و دیگر مسئولان کشور محترم، تقاضا می‌کنیم هرچه زودتر هیئت ۷ نفری را جهت واگذاری زمین به ما دهقانان این روستا اعزام دارد تا ما دهقانان چون دو سال گذشته بنا به امر امامان هرچه بیشتر بکاریم و بکاریم تا کشورمان را از وابستگی به امپریالیسم نجات دهیم و با این کار روستا محکمی به پوزه شیطان بزرگ و صیاد دی (با دی) داخلش بگوئیم.

با میدفرا رسیدن آن روز در سایه امام امت و جمهوری اسلامی ایران، رونوشت برای وزارت کشاورزی و دفتر آیت اله منتظری و مطبوعات کشور.



هیئت‌های هفت نفری! اهالی روستاهای شوقان در انتظاران هستند

دیگر وجود داشته باشد، در خانه بزرگ مالک است و در دسترس مردم نیست. تقریباً تمام سی‌پارچه‌آبادی دارای شورا‌های مردمی هستند و نماینده آنها در شورای بخش شرکت دارند.

قرا را است که هیئت هفت نفری واگذاری زمین در آینده نزدیک به این روستاها برود و مردم از این بابت بسیار خوشحال هستند. جوانان روستاهای جلگه‌شوقان در زمستان برای دست‌یابی به کار به شهر میروند. میزان مرگ و میر در این منطقه، بخاطر پاکیزگی آب آشامیدنی و تاحدودی پاکیزگی محل زیست اهالی، بهرمانند کمتر از دیگر نقاط مشابه در استان خراسان است. اهالی جلگه‌شوقان بی‌صبرانه در انتظار آغاز کار هیئت هفت نفری و اجرای قطعی و کامل قانون اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین هستند. بزرگ مالکی، بنا بر ما هیئت‌استمار -

گرا نه خود، منشأ روابط ظالمانه و غیر- انسانی است. انقلاب شکوهمند ایران نیز، بنا بر ما هیئت خود، مخالف این روابط خواهد بود. محو بزرگ مالکی و ایجاد روابط عادلانه انسانی است. لذا هیئت‌های هفت نفری، که میسران و مجربان یکی از هدفهای انقلاب هستند، با پدید آمدن و ترک کار اجرای قانون را به انجام رسانند.

نگه دیگری که در مورد روستاهای منطقه شوقان حائز اهمیت است، رسیدگی نهادهای مسئول به وضع دامپروریست. بمنظور بهبود وضع مراتع و ایجاد امکانات درمانی برای دامها، لازمست اقدامات لازم بعمل آید. همچنین ایجاد امکانات درمانی و بهداشتی و نوسازی روستاهای منطقه به طور حتم موجب تقویت هرچه بیشتر روحیه اهالی در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی می‌گردد. انجام همه این اقدامات در نهایت تلاش پراورشی است برای توفیق چشمه انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های گوناگون آمریکا.

جلگه شوقان و کوه آلاذغ، در شمال استان خراسان قرار دارد. این منطقه از نظر کشاورزی و دامپروری از موقعیت خوبی برخوردار است، لیکن بعلمت وجود بزرگ مالکی هنوز در این منطقه همان روابط ظالمانه و غیر انسانی تا حدود زیادی دیده می‌شود.

این جلگه شامل حدود ۳۰۰۰ پارچه‌آبادی و کلاته است، که مهمترین آنها عبارتند از: شوقان، طبر، محمدآباد، چهاررید، حصار، عمارت، دوبرجه و پشت بام، جمعیت این روستاها از بقیه دهات جلگه بیشتر است. بطور تقریب بزرگترین آبادی منطقه ۲۵۰ خانوار و کوچکترین آن ۳ تا ۴ خانوار دارد. دهات آب خود را از چشمه‌ها و یا قنوات تا مین می‌کنند و رودخانه در خور توجیهی در این منطقه وجود ندارد. جلگه شوقان دارای اراضی زراعی زیادی است، که بین دهات بزرگ و کوچک تقسیم شده‌اند.

روستاکیان، بجز کشاورزی و دامپروری، به یافتن قالی و پارچه‌های دستی و جوارب و سایر بافتنی‌های بی‌بهره متداول اشتغال دارند. در سی‌پارچه‌آبادی جلگه شوقان، درمانگاه‌ها مرکز بهداشت وجود ندارد و دروسی بسیاری از آنان فاقد حتماً و مدرسه هستند. برای مثال در روستای کتلی تازه امسال، به همت اهالی و یاری جهادسازندگی، حمای برای مردم ساخته شده است. در ضمن جهاد سازندگی، در سایر روستاهای منطقه ایجاد حتماً و مدرسه را آغاز کرده و در این زمینه بسیار موفق بوده و اهالی نیز همکاری های لازم را کرده‌اند.

نفرت اهالی ده را از رژیم گذشته را می‌توان در تلاش آنان برای تثبیت و تحکیم نظام جمهوری اسلامی و همکاری با نهادهای انقلابی دید. بجز شوقان و طبر، سایر آبادی‌ها ما قد موتور برق برای استفاده عموم هستند، یعنی اگر موتور برق در روستاها،

سوء استناده زمینداران بزرگ از تعویق موقتی بند «ج»

فشود آنها و زمینداران بزرگ بر توطئه‌های گسترده در سطح کشور علیه قانون اصلاحات ارضی و هیئت‌های هفت نفری واگذاری زمین اقدام می‌دهند. روزنامه "پیام ما" در شماره ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ دی ماه ۱۳۵۹، در افشای برخی از این توطئه‌ها نوشته است:

"بر اساس گزارش‌هایی که از نواحی غرب کشور، گنبدکاووس و منطقه بلوچستان و فارس رسیده، زمینداران بزرگ با سوء استناد، زحمت موقتی بند "ج" طرح اصلاحات ارضی، گستاخانه هیئت‌های هفت نفری واگذاری زمین و نهادهای انقلاب را مورد اهانت و حتی تهاجم قرار داده‌اند و سرگرم توطئه علیه انقلاب اسلامی هستند. در استان کرمانشاگان مالکان بزرگ دوباره کشاورزان را برای دریافت بهره مالکانه تحت فشار گذاشته‌اند. در منطقه فارس مالکان بزرگ حامیانی پدید آورده‌اند که دیدگاهی خاص منافع نامشروع آنها را مشروع جلوه می‌دهند! این اقدامات همزمان است با کارشکنی‌های گوناگون که در ستار سر کشور ما لکن علیه طرح اسلامی اصلاحات ارضی به مرحله اجرا درآورده‌اند. از جمله این اقدامات تهیه شکایات جعلی بنا کم کشاورزان علیه نهادهای انقلاب و ارسال آن به دفتر امام و دیگر مراجع مملکتی، زدن بر چسب کمونیستی به اعضای مسلمان سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و هیئت‌های هفت نفره است. بجاست که مسئولین و معان مملکتی، هرچه زودتر با اجرای بند "ج" توطئه - های بزرگ مالکان، را که از یکاهای عمده امپریالیسم جهانی، بزرگ مالکان آمریکا هستند، خنثی کنند.

بزرگ مالک مال الاجاره ۲ ساله می‌خواهد!

اکنون دیگر بر همه معلوم است که اراضی "متعلق" به بزرگ مالکان چپالوگر، اکثراً غصبی هستند. این اراضی توسط بزرگ مالکان به زور تصرف شده‌اند، و بر اثر این تصرفات، حق مسلم دهقانان زحمتکش پایمال شده است. هیئت‌های هفت نفری باید مالک واقعی را تشخیص دهند و مطابق همه موازین عرفی و شرعی و قانونی آن‌ها را به دهقانان بازگردانند. بزرگ مالکان که طی سالیان متمادی شیره جان روستاییان زحمتکش را مکیدند و با انواع سندسازی‌ها بر جان و مال دهقانان تهنی دست چنگ انداخته‌اند، هم اکنون نیز در نقاطی که هنوز قانون اصلاحات ارضی به اجرا در نیامده و یا حتی در مواردی که اراضی غصبی آنان به طریق قانونی به دهقانان انتقال یافته، به انواع حیل‌ها و باطرح دعای می‌کشند، تا مالکیت‌های غاصبانه خود را تثبیت کنند و قانونی جلوه دهند، کلیه این موارد حتی شامل بند "ج" هم نمی‌شود و حق آنست که هر چه زودتر مطابق اصول قانون واگذاری زمین، این اراضی غصبی و سندسازی شده به دهقانان تهنی دست داده شود. نمونه زیر از جمله این موارد است:

یکی از زمین‌داران بزرگ معروف فومن اخیراً جهت اخذ مال الاجاره ۲۵ ساله (۱) خود از دهقان کم‌زمینی به نام شعبان علی افسرده، شکایتی به دادگاه شهرستان فومن ارسال داشته و دادگاه نیز بر اساس آن اظهاریه‌ای برای دهقان مزبور صادر کرده است، که وی می‌بایست خود را به دادگاه معرفی کند. امام خمینی در این مورد سخنی دارند که باید آریزه گوش تمام مسئولین و دست‌اندرکاران قرار گیرد. رهبر انقلاب گفته‌اند:

"غالبا ارباب‌ها دلیلی بر مالکیت جز سند قلابی و تصرف عدوانی نداشته‌اند و یا آن قدر ظلم از طرف ارباب شده و اموالی آن کشاورزان گرفته‌اند که کشاورز می‌تواند زمین‌ها را بابت طلب خود از ارباب تملک نماید. چه بسا در مواردی لازم باشد بولی که بابت بهای ملک از کشاورز گرفته شده، به او پس داده شود.

هیچ‌کس و تحت هیچ شرایطی حق ندارد که خلاف این گفته عمل نماید و از منافع غارتگرانه بزرگ مالکان، که ابزارهای اجرای توطئه آمریکا هستند، جانبداری کند. دفاع از منافع بزرگ مالکان، قرار گرفتن در مقابل انقلاب شکوهمند ایران است. هیئت‌های هفت نفری وظیفه حساس و مبرمی در تحقق این سخن امام خمینی دارند.



امام خمینی:
بسه کشاورزان بگوئید
مانه طرفدار فتودال
هستیم
نه طرفدار سرمایه‌دار.

ادامه کار هیئت ۷ نفری، بخصوص در مورد اجرای بند «ج» را، قاطعانه خواستاریم

این سخن که از دل میلیونها دهقان برمی‌خیزد، از گوشه و کنار میهنمان بگوش میرسد. ده بعد از ده، دهستان بعد از دهستان، دهقانان در برابر اعمال فشار و مشکلاتی که اربابان ایجاد کرده‌اند، قد مردانگی علم می‌کنند، از انقلاب و هدفهای آن دفاع میکنند، علیه امپریالیسم و فتودالیسم حمله می‌برند و حق مسلم و قانونی خود را میطلبند. بازتابی از این موج زرف تاکنون در صفحات نامه "مردم" به همت خوددهقانان که روشت نامه‌ها و خواست‌های خویش را برای ما می‌نویسند و به گوش خیر- نگاران و گزارشگران ما، که اخبار آنرا با اطلاع می‌رسانند، بارها به چاپ رسیده است.

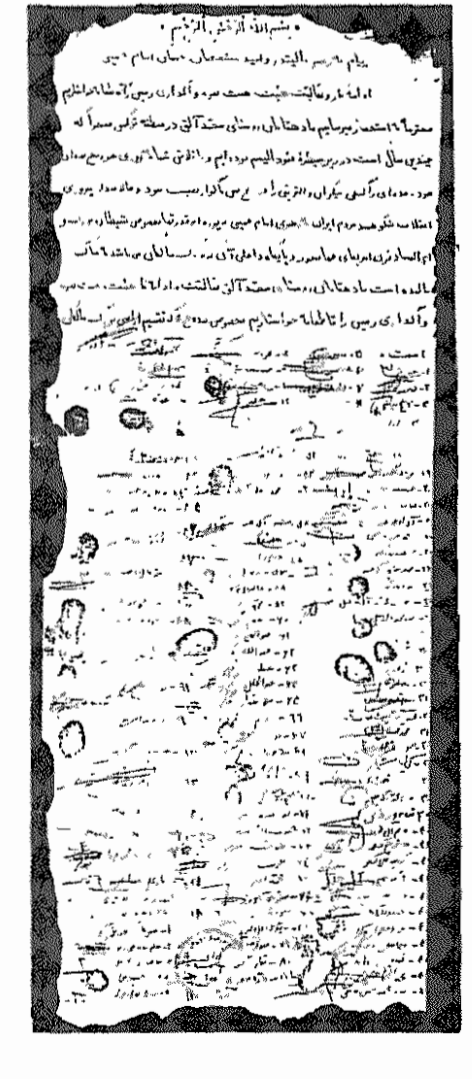
امروز نامه بسیار گویا و فصیح و مستغنی از هرگونه تفسیر دهقانان محمد آلی. ترکمن صحرا را منتشر و عین فتوکپی آنرا کلیشه می‌کنیم.

یکصد نفر دهقان این روستا پای آنرا امضا کرده و با انگشت گذاشته‌اند. در پایان اعضای پنجگانه شورای اسلامی روستا نیز، با مهر و امضای خود، امضاها را تأیید کرده‌اند. این است نوشته دهقانان محمد آلی - منطقه ترکمن صحرا:

"بسم الله الرحمن الرحيم"

پیام به رهبر عالیقدر و امیدوار مستضعفان جهان امام خمینی.

ادامه کار و فعالیت هیئت هفت نفری واگذاری زمین را قاطعانه خواستاریم. محترماً به استحضار می‌رسانیم ما دهقانان روستای محمد آلی در منطقه ترکمن صحرا که چندین سال است در زیر سیطره فتودالیسم بوده‌ایم و با تلاش شبانه روزی جز رنج بهره‌ای نبود. عده‌ای را گنجی بیگران و اکثریتی را جز رنج بی‌ناگوار نصیب نبود و حالا بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی که پوزه ابرقدرتها بخصوص شیطان بزرگ و ام‌الفساد قرن آمریکا، جهان‌نخوار و با یگانه داخلی آن که بزرگ مالکان می‌باشد به خاک مالیده‌است ما دهقانان روستای محمد آلی تقاضای فعالیت و ادامه کار هیئت هفت نفری واگذاری زمین را قاطعانه خواستاریم بخصوص بند "ج" که تقسیم اراضی بزرگ مالکان است.



رفیق نورالدین کیانوری :

لیبرال ها و مائوئیست ها، علیرغم شیوه های مختلف و وظایف خاص خود، در خدمت ارتش ضدانقلاب جهانی هستند

احتمال برگشت پذیری راه رشد غیر سرمایه داری ماهیت اصیل این راه و امکان تحقق آن را نفی نمیکند
بدام خبرگزار بیسای «دروغ پرس» امپریالیستی نیانیتیم!

از جلسه «پرسش و پاسخ» (۹ بهمن ۱۳۵۹)

س: فرق اساسی میان لیبرال ها و مائوئیست های «رنجبری»، «عدالتی» و «بیکاری» برای به دست آوردن حاکمیت چیست؟ به طور کلی، شیوه های نبرد آن ها با جمهوری اسلامی ایران چه تفاوت هایی با هم دارند؟

ج: ما غرق اساسی و تعیین کننده ای بین این دو نیرو قائل نیستیم. هر دو آن ها آن طرف «خط قرمز» قرار دارند و هدفشان هموار ساختن راه برای بازگشت امپریالیسم و تسلط آن بر ایران است. ولی در موضع گیری ها و روش های سیاسی آنها اختلافات جدی هست.

مائوئیست ها ادعا دارند که ضد سرمایه داری بزرگ و مالکیت بزرگ هستند و حتی کارگران را به اعتصاب علیه سرمایه داران و به اصطلاح آنها «دولت حامی آنها» می کشانند و زیر پرچم داس و چکش عمل می کنند. ولی لیبرال ها آدم های نسبتاً «صادق» هستند. اذعان دارند که بسا بزرگ مالکی موافق و با تقسیم زمین مخالفند. سرمایه داری را بهترین نظام اقتصادی می دانند. می خواهند روابط بسیار دوستانه نسبت به امپریالیسم داشته باشند (هم چنین تسلیم آمیز و متعهدانه، که البته آنها این را دیگر اعتراف نمی کنند). ضد سوری و ضد سوسیالیست هستند. بر هرگونه اقدام و اصلاحات، که به نفع توده زحمتکش و محروم مردم باشد، برحسب «کونیستی» می زنند. خلاصه صاف و پوست کنده طرفدار امپریالیسم و استثمار هستند.

به این ترتیب، ما برای لیبرال ها به طور نسبی «صداقت» ی قاطعیم که در انواع مائوئیست ها دیده نمی شود. اینها، برعکس موزر و حیلنگر هستند و با تظاهر به جنبش های می خواهند توده زحمتکش را در جهت خدمت به امپریالیسم ببرد.

مائوئیست های ایران در شعارهای مزورانه «ما فوق انقلابی» خود اصلاً مبتکر نیستند. این کاریست که آنها در همه جنبش های ضد امپریالیستی جهان می کنند و نمونه های آن را در انگولا، موزامبیک، زیمبابوه و اتیوپی دیده ایم و می بینیم. آنها در افغانستان، دوش به دوش عمال امپریالیسم آمریکا، پاکستان و نوکران ظاهر شاه، علیه خلق عمل می کنند. آنها حاضر هستند که بزرگ مالکان و سرمایه داران و سلطنت طلبان بازگردند، فقط حکومت خلقی سرنگون شود.

باین ترتیب، با اینکه بین شیوه عمل مائوئیست ها و لیبرال ها اختلافات زیادی دیده می شود، هر دو گروه در خدمت ارتش ضدانقلاب جهانی هستند. البته در ارتس واحد هم، هم گلاسه سبز داریم، هم گلاسه قرمز و هم گلاسه فیهوای. عده ای عاشق صادق امپریالیسم و ارتجاع هستند و عده ای (که اسم خوب «مائوئیست آمریکایی» برای آنها انتخاب شده است) زیر شعارهای «ماورا انقلابی» از آسپزخانه بزرگ امپریالیسم غذا می گیرند. هر یک وظیفه خاص خود را دارند و این که کدامیک خطرناک تر است، بستگی دارد به شرایط معین اجتماعی - سیاسی.

س: (یکی از فدایی های خلق (اکثریت)) با توجه به تجربه برخی از کشورها، آیا می شود گفت که راه رشد غیر سرمایه داری برگشت ناپذیر است؟ ج: ما در بحث های متعدد خود درباره راه رشد غیر سرمایه داری هیچ وقت این حکم را نکرده ایم که راه رشد غیر سرمایه داری برگشت ناپذیر است. کما این که این مسئله در مورد برخی از کشورهایی که راه سوسیالیسم را برگزیده اند هم مطرح است.

راه رشد غیر سرمایه داری آزمایشی است، که دو امکان دارد: نخست آن که در بهترین شرایط به انقلاب سوسیالیستی - نه به شکل قهرآمیز - بسپوندد. دوم آن که تحت تاثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی منحرف شود و به عقب برگردد. حال این بازگشت می تواند قهرآمیز باشد (مثل سودان)، می تواند خزنده باشد (مثل پرتغال). ولی بازگشت به هیچ وجه به معنای نفی ماهیت غیر سرمایه داری این راه رشد در ابتدا نیست.

ساله مشابهی الان در خود چین دیده می شود. واقعا الان معلوم نیست که در چین زیربنایی، که هنوز دارای ماهیت سوسیالیستی است، پیروز بشود. البته امیدواری ما اینست که این زیربنا اینقدر نیرومندانست، که با وجود روینای خائنانه و سازسکارانه ای که به وجود آمده است، بالاخره پیروز بشود. ولی ما نمی توانیم این را بعنوان حکم مطلق تلقی کنیم.

احتمال برگشت پذیری راه رشد غیر سرمایه داری بستگی دارد به مجموعه عوامل داخلی و خارجی. در زمینه عوامل داخلی، باید از جمله از آگاهی مردم و زحمتکشان، قدرت دمکراسی انقلابی، نقش حزب طبقه کارگر اسم برد. در زمینه خارجی بخصوص تناسب نیروهای جهانی مهم و تعیین کننده است، که در دهه های اخیر، از موارد استثنایی که بگذریم، با ستاب هرچه بیشتر بنفع نیروهای انقلابی تغییر کرده است.

بنابراین انحراف و بازگشت از راه رشد غیر سرمایه داری به هیچ وجه ماهیت اصیل این راه رشد را نفی نمی کند. تا آنجا که ما اطلاع داریم در میان فدایی های خلق (اکثریت) در این زمینه هم، پس از دورانی طولانی، تحولات مثبتی صورت گرفته است.

س: خبرگزاری های امپریالیستی «دروغ پرس» همچنان منبع اصلی اخبار و تفسیرهای رسانه های گروهی ایران را تشکیل می دهند، که نمونه ای از آن را در مورد افغانستان می بینیم. با وجود این که بیسره برداری لیبرال ها از این گزارش های دروغین بارها ثابت شده است، چرا هنوز نقل این تبلیغات امپریالیستی در کشور ما وجود دارد؟

ج: درباره مسئله افغانستان ما تا بحال مفصل و مکرر صحبت کرده ایم. بنظر ما این مسئله یکی از دامهای خطرناکی بود که امپریالیسم و ارتجاع منطقه برای منحرف کردن اذهان از توطئه های خود علیه انقلاب ایران گسترده و متاسفانه بخشی از انقلابیون ایران هم در این دام افتادند و برخی هم هنوز در این دام هستند. آنچه که می شود در این باره گفت، آنستکه اوضاع افغانستان بطور چشم گیری تثبیت می شود.

بهترین شاهد این ادعا، گواهی سفر از نمایندگان لیبرالیست انگلستان است، که اخیراً به افغانستان رفته بودند. آنها ضمن اقامت خود در افغانستان با قشرهای مختلف مردم تماس گرفتند، نظرات آنها را شنیدند و به این نتیجه رسیدند که تقریباً همه خبرهای کج و معوج امپریالیسم خری، یعنی خبرگزاری های امپریالیستی، با واقعیت افغانستان تطبیق نمی کند. جالب اینکه آنها همچنین مصاحبه ای با معاون نخست وزیر افغانستان داشتند، که چندی پیش از آن به ادعای خبرگزاری های امپریالیستی از کشور فرار کرده بود! گویا نمایندگان خبرگزاری های امپریالیستی با او در پاکستان مصاحبه ای هم کرده بودند که خبر آن با آب و تاب فراوان و در دست ترین حروف در بعضی از روزنامه های ایران هم منتشر شد! بنظر ما آن کسانی در ایران که دنبال این گونه «خبر» ها رفتند و آن را بدون هیچ تعمقی منتشر کردند، باید قاعدتاً یک کمی از خجالت سرخ بشوند!

چندی پیش در روزنامه «اطلاعات» سرمقاله جالبی بود درباره افغانستان. در این سرمقاله گفته شده بود که در عین آنکه ایران باید به مسلمانان انقلابی افغانستان کمک کند، مانعاً در مورد افغانستان بدام خبرسازی های امپریالیستی بیافتمیم. اما بدبختانه در شماره بعد همین اطلاعات مستی از دروغ های مبتذل «دروغ پرس» امپریالیستی منعکس شده بود! ما خیال می کنیم که این یکی از بیماری های جدی انقلاب ایران است، که موفقیتی برای امپریالیسم و ضدانقلاب محسوب می شده است.

البته در این مورد ساخت های تازه ای در رهبری جمهوری اسلامی ایران رشد می کند و ما امیدواریم که این تغییرات کمی به تغییر کیفی تبدیل شود و به موضع گیری سالم و واقع بینانه ای در برابر افغانستان بیانجامد. پایان

افشاء جنایات امپریالیسم آمریکا در بندر دلیلم



از طرف سازمان حزب نوده ایران - بیسدر دلیلم، نمایشکاهی در افشای توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا و جنایات رژیم بدام علیه جمهوری اسلامی ایران در این شهر برگزار شد. این نمایشگاه در مدت بریاتی خود، مورد استقبال بر سر مردم و جنگ نوده ایران - بیسدر دلیلم، نمایشکاهی در افشای توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا و جنایات رژیم بدام علیه جمهوری اسلامی ایران در این شهر برگزار شد. این نمایشگاه در مدت بریاتی خود، مورد استقبال بر سر مردم و جنگ

نمایشگاه دومین سالروز فرار طاغوت در نقده



به مناسبت دومین سالروز فرار شاه ملعون از ایران، از طرف سازمان حزب نوده ایران در نقده، نمایشگاه عکسی در این شهر برگزار شد. این نمایشگاه مورد استقبال وسیع مردم و زحمتکشان نقده قرار گرفت. یکی از بازدیدکنندگان هنگام دیدن نمایشگاه گفت: «امیدواریم آمریکا را هم پیش طاغوت بفرستیم».

درجهان سوسیالیسم

نقش شامخ زن در جمهوری دمکراتیک آلمان

یک چهارم شهرداران آلمان دمکراتیک از زنان تشکیل می دهند. دولت جمهوری دمکراتیک آلمان در هشت سال گذشته ۲/۸۸۷ میلیارد مارک بابت اعتبار بدون بهره در اختیار زنان و مردان جوانی که ازدواج کرده اند، گذاشته است. در این کشور، مادران بیس وس از وضع حمل ۲۶ هفته مرخصی رایگان بهره مند میشوند. دولسبس از تولد هر کودک ۱۰۰۰ مارک به والدین اومی بردارد. مادران پس از تولد کودک دوم، سوم و... میتوانند، بسا دریافت دستمزد یا حقوق خود ۱۲ ماه مرخصی بگیرند در سال گذشته، دولت از این باسست ۲۸۲ میلیون مارک پرداخت کرده است. همه مادرانی، که شماره کودکانشان از یک بیستراست، تا هنگامیکه این کودکان بسن ۱۶ سال نرسیده اند، در هفته تنها ۴ ساعت کار می کنند.

در جمهوری دمکراتیک آلمان، بیس از ۴ میلیون زن کار میکنند و با درس میخوانند یک سوم کارگران را زنان تشکیل میدهند و در حدود یک سوم سم های رهبری در اقتصاد ملی بدست ران است.

بیس از ۷۰ درصد ربا سیکه در اقتصاد ملی ساغل هستند، حداقل از گواهی نامه مدرسه تحصی بهره مندند. یک سوم نمایندگان مردم در «مجلس خلق» و ارگانه های محلی و یک چهارم سپرداران زن هستند. بسی از قاضای محای حرفه ای و تقریباً همه دادران افتخاری را زنان تشکیل میدهند.

درجهان سرمایه داری

۱/۲۱ میلیون ژاپنی بیکار هستند

ربا سیه آماری، که چند روز پس از سوی دمنرخست - وزیرری راین انسار بافت، شماره بیکاران این کشور در اوایل آذر امسال به ۱/۲۱ میلیون رسید. بدینسان نرخ بیکاری تر راین اینک ۲/۳ درصد است و دو ماه متوالی است که افزایش می یابد. درمقایسه با سال گذشته در همین ماه، برخیسل بیکاران ۱۰۰ هزار نفر افزوده شده است.

بعوجب همین گزارس، ساخص قیمب کالاهای مصرفی در توکیو در اوایل ماه بهمن ۱۴۰/۱۰۵۹ (۱۰۰۰ = ۱۳۵۴) بوده، که ۶/۶ درصد بالاتر از رقم مسابسه در سال گذشته است.

کارگران ژاپنی در بسین ۳۰-۵۰ سال ساگاس عمده هزینه زندگی مواجه میسوند. کارگران ۳۰-۴۰ ساله ۳۳/۶ درصد درآمد ماهانه خود را صرف خوار و بار میکنند. از سوی دیگر، ۳۴/۹۰ درصد درآمد ماهانه کارگران ۴۰-۵۰ ساله صرف بازپرداخت وام مسکن میسود. در ماه های آبان - دی ۱۳۵۸ درآمد سراسره میانگین کارگران را بسنی در ماه ۱۵/۳۶۱۵ ین، یعنی تنها ۱۵/۳۶۱۵ در صد بیسترازی سیکره همانا نند در سال ۱۳۵۸، بود. ما در همین مدت، قیمب کالاهای مصرفی ۴۲/۱ درصد افزایش یافت.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

مبارزه با فئودالیسم و سرمایه‌داری، جزئی از اسلام است

شرایط را برای اجرای بند «ج» آماده کنید

سخنران بعدی مصطفی تبریزی بود. او در سخنان خود از جمله گفت:

«انقلاب اسلامی ایران بنا بر ماهیت فئودالیسم و سرمایه‌داری است. ما باید جوانان را در سراسر کشور بکار گیریم.

اگر اشتباهات تاکتیکی که باعث نقار صادق‌ترین افراد از انقلاب می‌شود مبدل به یک خطای استراتژیک شود در آینده‌های نه‌چندان دور شاهد رشد فرست‌طلبانی خواهیم بود که اسلستان تبعیت از قدرت است». سخنران افزود: رئیس‌جمهور و دولت نیز از آنجا که مدعی دریافت وحی نیستند باید با قبول انتقادهای سازنده و تصحیح مواضع و مجیز شدن به ایمان و دانش و برنامه‌ریزی‌های دقیق، بیکاری، فقر، گرانی، قسری‌گری و غریزگی را از بین ببرند تا زمینه‌های برای توفیق توطئه آمریکا و چپ‌ناهما پیدا نشود.

شتاب در تصویب طرح‌های انقلابی که به نفع کلیه ارزشهای طاغوتی منجر می‌شود وظیفه ماست. او اضافه کرد که انقلاب مابرای اسلام بود و مبارزه با فئودالیسم و سرمایه‌داری هم جزئی از اسلام است.

تبریزی در ادامه سخنان خود گفت:

«امیدواریم هرچه‌زودتر شرایط برای اجرای بند «ج» طرح واگذاری زمین که توسط اسلام‌شناسانی چون آیت‌الله مشکینی امضاء شده است آماده شود».

هم‌اکنون با توقف بند «ج» نژودالهای شهر بجنورد برای نشان دادن زهرچشم، کشاورزی را جلو درب خانه‌اش حلق‌آویز کرده‌اند.

بعد از سخنان مصطفی تبریزی مجلس وارد دستور شد و بحث درباره لایحه اصلاحی قانون بودجه ۱۳۵۹ ادامه یافت و بعد از پایان وقت صبح دیروز، ادامه آن به جلسه علنی بعد از ظهر موکول شد.

* با توقف بند «ج» فئودالهای بجنورد کشاورزی را جلوی در خانه‌اش حلق‌آویز کردند.
* نبودن سه‌وزیر در حواس‌ترین وزارتخانه‌ها، بخصوص وزیر خارجه، ضربه مهلکی است که هر روز به پیکر این انقلاب وارد میشود.

در مقابل ما خم شود. وی سپس پرسید: «چه کسانی با «گروگان» گیری مخالف بودند و چه کسانی موافق؟ چه کسانی بودند که می‌گفتند کی بدولت گفته تضمین بگیرد؟ چرا زودتر اینها را رها نمی‌کنند؟ وقتی اینها رها شدند و آمریکا تسلیم شد چه کسانی فریادها را آغاز کردند؟»

ناطق سپس به قصد فروش هواپیماهای اف-۱۴ در زمان دولت موقت اشاره کرد و گفت: «چه کسانی بودند می‌خواستند اف-۱۴ های ما را به آمریکا پس بدهند؟ آیا این مساله مهم نیست؟ و نباید روشن شود؟» وی سپس در اشاره به تجاوز نظامی آمریکا در طیس گفت: «داستان طیس داستان پیچیده‌ای بود ما از آن عبور کردیم و رد شدیم. اگر مساله طیس برای ما روشن می‌شد، یقین بدانید کودتای نافرجامی بوقوع نمی‌پیوست. ما کودتای نداشتیم».

دکتر روحانی که نمایندگی قوه مقننه در شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را نیز داراست درباره مسائل صدا و سیما گفت: «تبلیغات عظیمی را بعضی از خطوط و روزنامه‌ها، علیه این شورا در آغاز کار شروع کردند. از هر چیز هم که از دستشان برآمده دریغ نکردند. اینها خواستند پیشداوری رابه ملت ما القاء کنند. روزنامه‌هایی که ادعای این‌را دارند که ضدسانسور هستند آنچنان سانسورگرها هستند که حتی خبر ملاقات شورای سرپرستی با امام را ذکر نکردند!»

نداشتن سه وزیر ضربه مهلکی است بر پیکر انقلاب

دومین ناطق قبل از دستور، عباس مظفر سخنانش را با گل‌امیدداشت دومین سالگرد انقلاب و شهادت انقلاب آغاز کرد. وی ضمن تقدیر از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مورد تصرف لانه جاسوسی آمریکا که محل توطئه علیه مردم ایران و منطقه بود، از آنان بدلیل واگذاری این محل به بنیاد شهید و سیاست‌گذاری کرد. وی در بخش دیگری از سخنانش به کمیسیون امور شوراها پیشنهاد کرد هرچه زودتر حدود و اختیارات شوراها را تعیین کنند و مجلس خود در اجرای آن پیشقدم باشد. نماینده بجنورد همچنین خواستار ارائه یک برنامه کلی و صحیح اقتصادی از طرف دولت شد و گفت: «ارائه یک سیاست کلی با برنامه‌ریزی صحیح و همه‌جانبه اقتصادی از طرف دولت و مجلس باعث خواهد شد که ارگانها برای حل مشکلات خود موضعی برخورد نکنند و نقش‌وجودی سازمان برنامه و بودجه برای ارائه یک برنامه صحیح بی‌اثر نماند».

وی سپس از نبودن سه وزیر انتقاد کرد و گفت: «نبودن سه وزیر در حساسترین وزارتخانه‌ها، بخصوص وزیر خارجه، ضربه مهلکی است که هر روز بر پیکر این انقلاب وارد می‌شود و مجلس، رئیس‌جمهور و دولت نباید نسبت به این امر کم‌توجه باشند و در مقابل امام و مردم مسئولند».

وی در پایان شدیداً به ارسال اسلحه فرانسوی به عراق اعتراض کرد.

نماینده بجنورد در جلسه علنی دیروز مجلس ضمن اعلام اینکه بعد از توقف بند «ج» قانون واگذاری زمین فئودالها برای گرفتن زهرچشم در بجنورد کشاورزی را در مقابل درخانه‌اش حلق‌آویز کرده‌اند، خواستار شتاب در تصویب طرح‌های انقلابی که به نفع کلیه ارزش‌های طاغوتی منجر می‌گردد، شد. در این جلسه که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد بحث در مورد جزئیات لایحه اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۵۹ ادامه یافت.

اولین سخنران پیش از دستور دکتر حسن روحانی نماینده سمنان بود. او ضمن اشاره به دومین سالگرد پیروزی انقلاب گفت: «ما در آستانه دومین سالگرد پیروزی انقلاب هستیم. مسائلی برای بسیاری از افراد این جامعه مطرح است. اولین مساله این است که از روزهای اول پیروزی انقلاب تا امروز مسائلی بوقوع پیوسته است که برخی از آن مسائل، برای بسیاری از مردم جامعه ما، هنوز کنگ است. ما بعد از پیروزی انقلاب می‌شنویم که جنایتکاری بنام بختیار دستگیر می‌شود و بعد می‌شنویم که فرار می‌کند. ظاهراً ساده‌است. اما مساله، مساله ساده‌ای نیست. تمام توطئه‌هایی که امروز در خارج این سرزمین جیده می‌شود و طراحی می‌شود این جنایتکار در آن نقش دارد. این مساله حداقل برای نمایندگان مردم باید روشن شود که بالاخره بختیار دستگیر شد یا نشده؟ اگر شد چه کسانی باعث فرار او شدند؟»

وی سپس گفت: «اسناد فراوانی بعنوان اسنادسری که یک‌بخش عظیمش از نیروهای مسلح بوده، افرادی که آن اسناد را جمع‌آوری کردند به افراد دیگری تحویل دادند، حاضرند اینها شهادت بدهند. اما اسناد سری کجا رفت و چی شد برای ما مجهول است. این مساله باید شکافته شود. این اسناد سری را افرادی از نیروهای مسلح ما، از نیروهای مومن ما، تحویل یک‌فرد داده‌اند. آن‌فرد هم مشخص‌است. آن‌فرد چکار کرده‌است آن اسناد را؟ کجا برده؟ این مساله‌ای است که باید روشن شود».

دکتر روحانی سپس در مورد اشغال اشغال لانه جاسوسی آمریکا و نتایج آن گفت: «حادثه عظیمی بنام مساله «گروگان» گیری در تاریخ ما اتفاق افتاد. ابرقدرتی بنام «گروگان» گیری شکسته شد. این بت آمریکا درهم شکسته شد. کسانی بودند در جامعه ما و در سراسر جهان که فکر می‌کردند به آمریکا نمی‌شود گفت‌بالای چشمت ابروست و به این مساله باور داشتند. از همان آغاز یک‌عده با «گروگان» گیری مخالفت کردند. یک عده می‌گفتند بی‌چون و چرا و بلافاصله باید آزاد شوند. عده‌ای می‌گفتند باید بمانند». وی سپس گفت: «ما «گروگان» نگرفتیم تا پولی بدست آوریم. این تبلیغات خود آمریکا است. ما «گروگان» گیری کردیم تا توطئه بزرگ آمریکا را خنثی کنیم. آنها می‌خواستند توطئه‌ای را بنام شاه در خارج بوجود آورند توطئه را ما خنثی کردیم. در مساله «گروگان» گیری بسیاری از حقایق برای ملت ما روشن شد که روشن شدن آن حقایق و آن خطوط از میلیاردها میلیارد دلار برای ما ارزنده‌تر است. ما در مساله «گروگان» گیری اقتدر مقاومت کردیم تا آمریکا

در حاشیه...

دکتر یزدی و هواپیماهای اف - ۱۴

پس از پایان سخنان اولین ناطق پیش از دستور دکتر روحانی که در طی سخنان خود به مسئله هواپیماهای اف-۱۴ در زمان دولت موقت اشاره کرده بود، ابراهیم یزدی در مقام اعتراض و پاسخگویی به این اظهارات گفت:

«طبق ماده ۶۶ آیین‌نامه من باید از خودم دفاع کنم».

حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس به او گفت: «اگر ماده ۶۶ در مورد نطقهای قبل از دستور بخواهد اجرا شود هر روز که شما صحبت می‌کنید باید همه نمایندگان بحث کنند. در این‌جا اسم کسی را نبرده‌اند».

ابراهیم یزدی گفت: «فرق نمی‌کند. مستقیم و یا غیر مستقیم باید جواب داد».

«لوح افتخار»

را کامل کنیم

با تشکر از رفقای که تذکرات زیرین را برای تصحیح برخی از اشتباهات چاپی و غیرچاپی در «لوح افتخار» داده‌اند، تقاضای خود را از همگان برای تکمیل «لوح افتخار» تکرار میکنیم.

- کوچک شوشتری و وارطان سالخانیان در اردیبهشت ۱۳۳۳ شهید شده‌اند نه ۱۳۳۲.
- محمد جانجانیان در جریان تصرف آرشینورادپو شهید شده است نه کلاتری.
- از شهدای سازمان «نویده» ۶ نفر ناشناخته مانده‌اند نه ۹ نفر.

«کنفرانس غیرمتمه‌ها در دهلی‌نو»

تدارک کنفرانس وزیران خارجه کشورهای غیرمتمه‌ها که دوشنبه گشایش خواهد یافت در دهلی‌نو پایان یافت. کمیسیونهای کار در سطح سفیران مشورتگاهی انجام دادند. از جمله در کمیسیون سیاسی، اوضاع خاور نزدیک و پیشنهاد اخراج مصر از جنبش غیر متمه‌ها بعلت سیاست تسلیم‌طلبانه در برابر اسرائیل مورد بررسی قرار گرفت.

خبرگزاریها اطلاع میدهند که چین کشورهای آسیایی عضو این جنبش را بمنظور جلوگیری از عملی شدن پیشنهاد ابتکاری جدید ویتنام - لائوس و کامبوجیا زیر فشار قرار داده است. این سه کشور پیشنهاد کرده‌اند که یک کنفرانس منطقه‌ای جهت یافتن راه‌های تبدیل جنوب شرقی آسیا به منطقه صلح و ثبات برگزار شود.

کتاب بیدار دل‌ها را بیدار کنیم

خانم غریب سلام کنیم

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما می‌توانیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۴۰۲۴، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپهبد قره‌نی شمالی بپردازید.

توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

۱۰۰۰ ریال

ضد انقلاب با مین‌گذاری در جاده بانه باعث مرگ یک کارگر و زخمی شدن چند نفر دیگر شد

ضد انقلابیون وابسته و به- مسلحان را داشتند. ما این اعمال ضدانقلابی و ضدانسانی عناسر وابسته به امپریالیسم را، که هر روز به شکلی جدید بروز می‌کند، محکوم می‌کنیم و از مقامات مسئول مصرانه می‌طلبیم که با شناسایی این افراد و مجازات قانونی آنها، از وقوع چنین فجایعی جلوگیری کنند.

ضد انقلابیون و وابسته و به- مسلحان را داشتند. ما این اعمال ضدانقلابی و ضدانسانی عناسر وابسته به امپریالیسم را، که هر روز به شکلی جدید بروز می‌کند، محکوم می‌کنیم و از مقامات مسئول مصرانه می‌طلبیم که با شناسایی این افراد و مجازات قانونی آنها، از وقوع چنین فجایعی جلوگیری کنند.

حمله ضد انقلاب باده که فروش نشریات حزب توده ایران در بوشهر

ضد انقلابیون یک بار دیگر روز پنجشنبه گذشته در بوشهر به دکه فروش نشریات حزب توده ایران در این شهر حمله بردند و آن را درهم کوبیدند. حزب توده ایران ضمن اعتراض صورت می‌گیرد، شوند.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم

مبارزات دانشجویان نامی بیا

در راه براندازی نظام آموزش استعماری (۶)

در دهه ۸۰-۱۹۷۰، سراسر آفریقای جنوبی شاهد موج مقاومت ناپذیر جنبش آزادی-بخش بختل از هم گسستن زنجیر اسارت استعمار و تبعیض نژادی بود.

پیروزی نیروهای خلقی در موزامبیک و آنگولا و استقلال زیمبابوه، الهام بخش تشدید مبارزه مسلحانه خلق نامی بیا گردید. یکی از نمودهای گویای این تشدید مبارزه، در روند اوج یابنده اعتراضات و اعتصابات دانش آموزان و دانشجویان نامی بیا، در راه براندازی نظام آموزش استعماری «بانتو» تجسم می یابد.

«نظام آموزشی بانتو»

«نظام آموزش بانتو»، بعنوان یکی از عوامل روبنایی تحکیم بخش نظام استعماری موجود در نامی بیا، افزایش برای آماده سازی مردم آفریقای جنوبی برای پذیرش زندگی در «زادبوم»ها و در نتیجه قبول برتری نژادی و ستبیشکی سفیدپوستان حاکم. تحت این نظام، افراد قبیله دامارا مجبورند تنها در خوریسیس، قبیله هررو در اکاکارارا و اوامبو در انگویدیوا و اشیکامبو به تحصیل پردازند. از اینرو «نظام آموزشی بانتو» بخشی از سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت کن» به حساب می آید.

مبارزات دانشجویان

اقدام اعتراض آمیز دانشجویان سووتو علیه زبان آفریکان (مخلوطی از زبان انگلیسی و هلندی)، زبان رسمی آفریقای جنوبی، در ۲۶ خرداد ۱۳۵۵، سرآغاز شعله ورساختن آتش اعتراضات مردم بود. از آن پس، دامنه مبارزات گسترش یافت و درپوشش منطقی خود، به پیورش پرتوان برضد «نظام آموزشی بانتو» سرپای ساختار ستیبار «آپارتاید» و بسیج همه بخشهای سیاهپوست آفریقای جنوبی انجامید.

در زمستان ۱۳۵۵، اخکسر مبارزات دانشجویان به شعله نشست. دانش آموزان دبیرستان مارتین لوتر در امارورو دفتر رئیس دبیرستان خود را ویران می سازند و اوراق امتحانات پایان سال را ازین می پزند. در پیامد

آن، کارکنان دبیرستان، طی همایش هایی که با دانش آموزان ترتیب می دهند، این پرسش را مطرح می سازند: آیا شما از عواقب اعمالتان آگاهی دارید؟ آیا شما می خواهید با این شیوه به اعتراض خود ادامه دهید؟ نتیجه رای گیری پاسخ دهنده دانشکن بایسته ای بود: از ۱۴۰ تن دانش آموزان ثبت نام کرده، ۱۲۳ تن یا در حدود ۹۲ درصد به ادامه تحریم مدارس رای دادند. در ۱۷ آبان ۱۳۵۵، کارکنان و دانش آموزان تصمیم گرفتند که مراسم تشییع جنازه ریشخند آمیزی بختل «بکوسریدن» «نظام آموزشی بانتو» ترتیب دهند و مدیر رسماً دبیرستان را تا زمان لغو «نظام آموزشی بانتو» تعطیل کنند.

اگرچه در آغاز این اقدامات بختلر همدردی با دانشجویان سووتو صورت پذیرفت، با این وجود، عملکرد آنها نشانگر مقاومت دانش آموزان نامی بیاوسی در برابر سیاست آموزشی استعماری و نژادپرستی بود. چند هفته نباید که موج اعتراضات برخاسته در امارورو، سراسر کشور را پوشاند. دانش آموزان دبیرستان گرئیس گوراسیب، واقع در خوریسایس، از شرکت در امتحانات خودداری ورزیدند. پلیس و نیروهای مسلح بیدرتنگ دخالت کردند و برخی از دانش آموزان را به زور سرنیزه ناگزیر به نوشتن برگه امتحانی ساختند. در این بین، دانش آموزانی که از مدرسه گریخته بودند، حق بازگشته بختل بردن وسایل خود را نداشتند. یک دانش آموز، که مورد شناسایی قرار گرفت، زیر ضربات هلاکتبار پلیس جان خود را از دست داد. ولی، با وجود خشونت خونبار پلیس، در دومین مدرسه دولتی این منطقه، تحریم همچنان به قوت خود باقی ماند.

در اواخر آبان ۱۳۵۵، یک بپ در کالج آگوستونیوم در ونیدهوک منفجر گردید. شمار چشمگیری از دانشجویان شرکت در امتحانات را تحریم کردند. در پی آن، برخی از بیم دستگیری، در کاتوتورا (کومه های کارگری) مخفی شدند. بدینسان دگر بار ضرب و شتم دانش آموزان و دانشجویان آغاز گشت. تعدادی از دانش آموزان و دانشجویان، که محل تحصیل خویش را ترک گفته بودند، نمی توانستند به خانه هایشان در سرزمین اوامبو بازگردند، مگر آنکه برک گذر به همراه می داشتند. مراکز آموزشی به دانش آموزان و دانشجویان برک گذر نمی دادند، مگر آنکه در امتحانات پایان سال شرکت می جستند. در نتیجه شمار بسیاری بختل مسافرت بدون برک گذر دستگیر می شوند.

افزون بر آن، رئیس کالج اعلام داشت که سال بعد دانشجویانی به کالج راه می یابند که در سال جاری در امتحانات شرکت کنند. این امر ثمره شومی به بار می آورد، زیرا دانشجویان اوامبوایی ناگزیرند در مراکز آموزشی شمال و دانش آموزان و دانشجویان نامی بیا در مراکز آموزشی جنوب به تحصیل پردازند. و این همه در خدمت تحقق نیت پلید رژیم نژادپرست قرار میگیرد، زیرا اشغالگران آفریقای جنوبی از تجمع دانشجویان از بخش های گوناگون کشور ناخشنود بودند. آنها قصد داشتند کالج آگوستونیوم را به یک مدرسه مختص به رنگین پوست های خوماسدال - محله رنگین پوست های خارج از ونیدهوک - تبدیل کنند. در دبیرستانهای اکاکارارا در شمال شرقی و دگربار در دبیرستان پتروس کانبیا در اوایس نیز تحریم امتحانات و در پیامد آن دستگیری

و تهدید رخ داد. رویدادهای مشابهی هم در دبیرستان کاتولیک تسیس، در جنوب و دورا، در ۱۰ کیلومتری شمال ونیدهوک بوقوع پیوست. تراکت هایی با مضمون الغاء «نظام آموزشی بانتو» در سراسر کشور پخش گردید.

شمار دانش آموزان شرکت کننده در تحریم ها بیش از ۱۰۰۰ تن میشد. تا اوایل آذر ۱۳۵۴، سی دانش آموز و دانشجویان کشور را ترک کردند و صدها تن برای رهایی از سرکوب رژیم نژادپرست به کشورهای همسایه مانند بوتسوانا، زامبیا و آنگولا گریختند.

بعلاوه، اواسط آبان ۱۳۵۴ تا اواسط بهمن ۱۳۵۵، بیش از ۲۳۰ آموزشگار سیاهپوست نامی بیا به رهبری «اتحادیه آموزشگاران نامی» در جنوب کشور دست به اعتصاب زدند، انگیزه اعتصاب در اختلافی سطح حقوق موجود بین آموزشگاران سیاهپوست نامی بیا و آموزشگاران رنگین پوست نهفته بود. تحت این ساختار حقوق یک آموزشگار سیاهپوست نامی تنها ۸۰ درصد حقوق دریافتی یک آموزشگار رنگین پوست یا همان تاجر و کارایی را تشکیل میدهد. اعتصاب از پشتیبانی استوار مردم محلی و همبستگی «اتحادیه آموزشگاران سیاهپوست»، که نماینده حدود ۱۰۰۰ آموزشگار سیاهپوست در نامی بیاست، برخوردار میشود. ولی، سرانجام اعتصاب نافرجام، هنگامیکه دبیرستان تسیس، واقع در نامی بیا، جنوبی، از جانب حکومت در آستانه تعطیل قرار میگیرد، با حضور ناگزیر آموزشگاران در دبیرستان، پایان می یابد.

بدینسان اعتصاب پایان یافت، ولی بیکار در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در پستر توفانی خود از حرکت باز نایستاد. ادامه دارد

رژیم دست نشانده السالوادور، برای سرکوب مبارزان، از بمبهای ناپالم ساخت آمریکا استفاده میکند

رژیم دست نشانده السالوادور، برای مبارزه با قیام مردم، از بمبهای ناپالم ساخت آمریکا استفاده می کند. از این بمبها اخیراً در ناحیه «لاونیان» استفاده شده است.

از سوی دیگر، روزنامه آمریکائی بالتیمورسان نوشت که وزارت دفاع آمریکا سرگرم تعلیم یک نیروی ضربتی در السالوادور است، که تحت

تظاهرات مردم آمریکا علیه دیکتاتور کره جنوبی

در واشنگتن، بهنگام دیدار چون دوخوان، دیکتاتور کره جنوبی، از ایالات متحده آمریکا، تظاهرات وسیعی برپا شد. تظاهرکنندگان خواستار آزادی رهبر مخالفان کره جنوبی بودند، که به اتهام دروغین توطئه علیه دولت به حبس ابد محکوم گشته است.

یادآور میشویم که در کره جنوبی بیش از ۵۰ هزار مین دوست در زندانها و اردوگاههای رژیم سرسپرده آمریکا بسر می برند. بگزارش «آسوشیتدپرس»، دولت ایالات متحده آمریکا، به مناسبت دیدار دیکتاتور کره جنوبی دستور داده است، که انتشار گزارشی درباره نقض حقوق بشر به تعویق افتد!

تجدید نظر آمریکادر مورد منع تولید بمب نوترونی

گاسپروایندپرگر، وزیر دفاع آمریکا، اعلام کرد که آمریکا باید منع تولید بمب نوترونی را مورد بررسی مجدد قرار دهد. در ارتباط با این سخنان، خبرگزاری تاس اعلام کرد که آمریکا میخواهد به متحدین خود فشار وارد سازد، تا با استقرار «بمب نوترونی در خاک خود موافقت عمومی لغو شده» بوده

اعتراف ریگان به مشکلات اقتصادی آمریکا

رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا اظهار داشت اقتصاد آمریکا با مشکلات بسیار زیادی که در ۵۰ سال اخیر بی سابقه است، روبرو شده. نطق ریگان از کاتخ سفید بوسیله تلویزیون پخش شد. رئیس جمهوری آمریکا گفت که بدهی آمریکا به ۱۳۴ میلیارد دلار رسیده است. کشور با تورم و بیکاری دستگیران است. اگر ۷ میلیون آمریکایی بیکار صف بکشند این صف از کناره اقیانوس اطلس تا سواحل اقیانوس آرام امتداد خواهد یافت.

عضو کمیته مرکزی الفتح: آمریکا از سیاست دولت اسرائیل در مناطق اشغالی حمایت می کند

مجید ابوشرار، عضو کمیته مرکزی سازمان الفتح، ضمن گفتگویی تأکید کرد که آمریکا از سیاست ترور و اختناق دولت اسرائیل در سرزمین های اشغالی حمایت می کند. ابوشرار افزود: «آمریکا اسلحه های آخرین مدل در اختیار اسرائیل قرار میدهد. صهیونیست ها هم با این اسلحه ها به روی مردم غیرنظامی ساکن مناطق اشغالی آتش می گشایند و رزمندگان فلسطینی را ترور می کنند.» عضو کمیته مرکزی سازمان الفتح سپس اعلام کرد که هزاران نفر بدون محاکمه و بازرسی در این مناطق زندانی هستند و تحت شکنجه قرار دارند.

اتحاد شوروی از لحاظ شماره پزشکان متخصص بیماریهای کودکان در جهان مقام اول را دارد

اتحاد شوروی از لحاظ تعداد نسبی پزشکان متخصص بیماریهای کودکان مقام اول را در جهان دارد. شمار این پزشکان در اتحاد شوروی از ۱۰۰ هزار تن تجاوز کرده است. آنها از نخستین روزهای تواد کودکان مراقب حفظ تندرستی آنها هستند. درمانگاههای مخصوص کودکان در تمام شهرها و نواحی روستایی کشور دایر است.

ادامه حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس

روزنامه واشنگتن پست به نقل از مقامات رسمی آمریکائی نوشت با اینکه «دیپلماتهای» آمریکایی در ایران آزاد شده اند، آمریکا قصد دارد همچنان واحدهای بزرگی از نیروی دریایی خود را در اقیانوس هند نگه دارد. روزنامه مذکور ضمن توصیف آمادگی جنگی این نیروها، از ناو هلی کوپتر ترارا نام برد. که تقریباً ۴ هزار سرباز و افسر واحدهای تفنگداران دریایی در این ناو و در دو ناو نیروی دیگر مستقر شده اند. رویهم رفته بیش از ۳۰ ناو جنگی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس موضعگیری کرده اند.

«سازمان همبستگی خلق های آسیا - آفریقا» مانورهای مشترک نظامی آمریکا و کره جنوبی را محکوم کرد

سازمان همبستگی خلق های آسیا - آفریقا تکرانی عمیق خود را از برگزاری مانورهای مشترک آمریکا و کره جنوبی، تحت نام «قیام اسپریت - ۸۱»، در سرزمین کره جنوبی، ابراز داشت. این سازمان در اعلامیه خود تأکید کرد که این مانورهای نظامی، که در آن صد و هشتاد هزار نظامی شرکت دارند، تشنج را در آسیا افزایش می دهد و به تحکیم حضور نظامی آمریکا در منطقه منجر خواهد شد. مانورهای مشترک آمریکا و رژیم دست نشانده کره جنوبی در حالی صورت میگیرد که مبارزه فزاینده ای برای خروج نیروهای آمریکایی از خاک کره جنوبی جریان دارد. سازمان همبستگی خلق های آسیا - آفریقا اعلام کرد که این سازمان مانورهای مشترک در خاک کره جنوبی را محکوم می کند و خواستار خروج نیروهای آمریکائی از کره جنوبی است.



نامه مَرُوم
ازگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 439
8 February 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۴ پستی تهران
۴۱/۳۵۵۹ منطقه